

آشنایی با ایمان کلیسا

سری اول: مسیحیت چیست ؟

۱۰ نگرش بر ایمان کلیسا:



- ۱- خدا کیست؟
- ۲- کتاب مقدس
- ۳- ایمان و علم
- ۴- پیامبران
- ۵- عیسا کیست؟
- ۶- چهار انجیل
- ۷- راز تن یافت
- ۸- روح القدس
- ۹- کلیسا
- ۱۰- ماموریت کلیسا

این برگه‌ها که به منظور معرفی مسیحیت به افرادی که طالب شناخت این آیین می‌باشند تهیه شده است، اساساً عقیده مشترک مسیحیان را بیان می‌کند. اما در مواردی که مسیحیان کاتولیک دیدگاهی بخصوص دارند، به معرفی آن دیدگاه می‌پردازد.

نحوه ی استفاده:

هر برگه، بیانگر حقیقتی خاص از ایمان مسیحی است، بدین ترتیب، مجموعه ی اول مشتمل بر ده موضوع است: خدا کیست؟، کتاب مقدس، ایمان و علم، پیامبران، عیسی کیست؟، چهار انجیل، رازتن یافت، روح القدس، کلیسا، ماموریت کلیسا. این جزوه‌ها، همگی بر این سه مینا پایه گذاری شده اند:

- آن چه که اطراف ما درباره این حقیقت گفته می‌شود و ما می‌شنویم،

- آن چه که معمولاً مسیحیان می‌گویند،

- آن گونه که مسیحیان در ارتباط با موضوع مطرح شده در زندگی روزمره، زندگی می‌کنند.

هم چنین تمام برگه‌ها در ارتباط با موضوع، شامل متن‌های مهمی هستند که معمولاً از کتاب مقدس یا از روایات گرفته شده‌اند، چنانچه کسانی بخواهند بیشتر بدانند، اطلاعات کتاب مقدسی و اشارات آن برای ایشان مفید می‌باشد.

کلیه کتبی که از آن‌ها در این برگه‌ها نام برده شده در سایت موجود است.

نحوه ی برنامه ی مطالعه ی گروهی

۱: دعا و طلب نزول روح القدس

۲: قرائت متن مورد نظر توسط یکی از افراد گروه

۳: سکوت

۴: هر شخص نکات مثبتی را که از متن یافته است اعلام می‌نماید.

۵: هر شخص سوالات خود را در ارتباط با متن مطرح می‌نماید.

۶: هر شخص ارتباط متن با زندگی امروز خود را بیان می‌نماید.

خدا کیست؟



«خداوند، خدای ما، خدای واحد است» (تثنیه ۴:۶).
«ای خداوند [...] قلب مرا واحد ساز تا نام تو را بشناسم (مزمور ۸۶: ۱
«خدا را هرگز کسی ندیده است. پسر یگانه ای که در آغوش پدر است،
را ظاهر کرد» (یوحنا ۱: ۱۸).

آن چه بعضی ها می گویند...

* **خدا وجود ندارد:** ... به جز در فکر مردمان ضعیف و ترسو که برای احساس امنیت کردن، او را اختراع نموده اند.
انسان پادشاه آفرینش است. او خود کفاست... چیزی بالاتر از او نیست.
* **نمی توانم بفهمم:** شنیدم که خدا واحد است و نیز شنیدم خدا محبت است پس اگر واحد است چرا و چه کسی
را محبت می کند؟

* **کسی نمی داند:** ... سراسر راز است... میل به ابدیت و عطش بی نهایت در عمق وجود هر کس مخفی است.

* **آری، کسی مافوق ما وجود دارد:** و آن خداست.

آسمان و زمین به خودی خود به وجود نیامده اند. خدا آنها و هم چنین ما را آفریده است و ما از آن او هستیم. قادر
مطلق، یگانه و خیلی مهربان است، ما او را به هنگام خطر به کمک می طلبیم.
او انسان ها را به توسط پیامبرانش راهنمایی می کند. در روز داوری، نیکی ها را پاداش خواهد داد و بدی ها را
مجازات خواهد کرد.
ما بزرگی او را قبول داریم، به او نیایش می کنیم و سپاسش می گوئیم و از او طلب بخشش می نماییم، ولی راز او
ناشناختنی است.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- **مسیحیان به خدای یگانه، قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و چیزهای دیدنی و
نادیدنی ایمان دارند.**

این ایمان، اساس زندگی آنهاست، از این جهت، در تمام کسانی که به **خدای یگانه** ایمان دارند، مشترک است.
اما در واقع مسیحیان طبق آیین و ایمانشان به خدای یکتا، که پدر پرتوان است ایمان دارند. و برخلاف بنده که از
ارباب خود می ترسد ایشان از خدای پرتوان نمی هراسند. چون او پراز محبت است.

* **طی قرن ها، پیامبران به خاطر پرستش بت ها که در همه جا رواج داشت به یگانگی خدا تأکید می کرده اند.**
عیسا نیز وقتی اعلام می کند که انسان نمی تواند در عین حال خدا و پول را بپرستند، یا وقتی با میل به

خوشگذرانی، قدرت طلبی، شهرت طلبی و... که همه ی این ها بت قلب انسان است که با آنها مبارزه می کند، در مسیر پیامبران پیشین گام بر می دارد.

* ولی عیسا فراتر می رود. خدا را با لحنی جدی، پدر خود می نامد. او، با علم به این که فروتن و متعادل بود، ولی خود را از ازل با خدا «واحد» می داند، نه به مانند خدای دومی در کنار خدا، و نه انسانی الاهی شده. لیکن او تأکید می کند که از ازل، در کنار پدرش (مانند کلام او، سخن او، چنان که انجیل یوحنا ی قدیس می گوید) وجود داشته است و پدر او را نزد ما فرستاده که چون انسان شده، انسانیت ما را به عهده گرفته، و به ما حیات جدید خود را بدهد و ما را با موهبت روح القدس، روح خدا، نجات بخشد.

اقتدار او، معجزات او نشان دادند که او از جانب خدا آمده و مخصوصاً رستاخیز وی نیز این حقیقت را تأیید می کند.

۲- از زمان عیسا، مسیحیان به او وفا دارند و ایمان دارند که خدا، پدر، پسر و روح القدس است.

* با وجود این، او یک خدای واحد است. و اگر خدا مثل انسان ها باشد راز خدای واحد و راز تثلیث قابل قبول نیست. سه انسان هرگز یکی نخواهند بود چون آنها کامل نیستند، آنها تغییر می کنند و متحدترین آنها، همیشه امکان دارد جدا بشود و به تضاد برسد. ولی خدا مثل انسان ها نیست و عظمتش از حد تصور انسان بیشتر است.

* نیروی او فقط قدرت مطلق نیست، بلکه کمالی سرشار و بدون خودخواهی است. خدا یکتا نیست، به این معنی که گویی تنها و مجزا باشد و خطرناک مثل یک پادشاه جبار و ظالم که از او بترسیم و بگریزیم. شخص تنها و منزوی، مردنی است اما محبت در حرکت مشترک و متقابل می باشد بنابراین، خدا زنده و زندگی بخش است.

خدا محبت است نه چون ما را محبت می کند چون در این صورت خدا به ما احتیاج دارد بلکه خدا از ازل و قبل از آفرینش هم یکی و هم محبت است، همان طور که یوحنا بعد از تعمق بر راز عیسا ی مسیح اعلام کرد (اول یوحنا ۴:۸).

در خدا چیزی هست که ما محبت می نامیم محبتی قوی، شفاف، دوجانبه، عطای کامل خود. این کمال، واحد و غیرمنقسم است. در دنیای زمینی گاهی درباره ی دو یا سه نفر که با هم اتحاد دارند می گویند که «آنها یک دل و یک جان دارند».

ولی در خدا این یک حقیقت مطلق است: پدر، پسر، و روح القدس یک خدای واحد هستند. مسیحیان می گویند که خدا تثلیث است.

این ایمان، در زندگی روزمره، نتایج بی حسابی دارد.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

روح القدس که در آنها سکنا گرفته، رفته رفته آنها را متحول می کند (ر.ک مزمور ۸۶:۱۱). ایمان به خدادر تمام زندگی، نیایش و عمل ایشان را الهام می بخشد.

۱- نیایش

اگر واقعاً مطابق ایمانشان زندگی کنند، اعتماد بسیار زیادشان باید همیشه با احترامی عمیق همراه باشد. همان طور که عیسا به ایشان تعلیم داده، مسیحیان دعا می کنند:

«ای پدر ما که در آسمانی،
تقدیس شود نام تو
بباید فرمانروایی تو
روان باد خواست تو
روی زمین چنان که در آسمان است.
آن نان روزانه ما را، امروز به ما ده
ببخشای گناهان ما را
چنان که ما نیز می بخشیم مدیونان خود را
و ما را در وسوسه میاور
بلکه ما را از شریر رهایی ده
زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال
تا به ابد از آن توست.» آمین. (متی ۶: ۹-۱۳).

۲- عمل

عیسا با تعلیم این نیایش به مسیحیان، قلب فرزندی در او که بکتا پسر هست می دهد و دعوت می کند که به پدر زمینی خود اگر توسط رفتارش زخمی شدند ببخشایند که بتوانند خدا را پدر خود بدانند و هم چنین دعوت می کند که چگونه نسبت به فرزندان خود پدری پر از محبت شوند و همچنین قلب برادری را نیز عطا می کند.

و محبت برادری، هم چنین که محبت خدا، بزرگترین فرمان است. «اگر... کسی گوید که خدا را محبت می نمایم و از برادر خود نفرت کند، دروغگو است» (اول یوحنا ۴: ۲۰).

«از این می دانیم که فرزندان خدا را محبت می نمایم چون خدا را محبت می نمایم و فرامین او را به جا می آوریم» (اول یوحنا ۵: ۲).

با وفاداری نسبت به این محبت دوگانه و به دلیل ایمان داشتن به خدای یگانه، و نیز به دلیل این که هر نوع بت پرستی را رد کردند، عده ی زیادی از مسیحیان به شهادت رسیدند.

کلام کتاب مقدس

کمی قبل از مرگ، عیسا به شاگردان گفت: «اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آن چه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد» (یوحنا ۱۴: ۲۶).

برای مطالعه و تمق بیشتر:

*حضور خدا

* وفاداری خدا

برای مطالعه عمیق تر:

* راز تثلیث اقدس

* «خدای زنده» بخش ۲ فصل ۲: تعمید عیسا،

بخش ۲ فصل ۳: تجلی عیسا

تنها خدا می تواند با ما از خود سخن بگوید.
با سکوت و فروتنی، نورش را درخواست کنیم.

متن جهت مطالعه گروهی: انجیل مرقس ۹: ۲-۸، ۱۶: ۱-۸؛ ایوب ۴۲: ۵ و ۶

خداوند ارفع و والا

- ۱- ای ارفع و والای عالم،
چه نام دیگری شایسته ی تو تواند بود؟
کدام نغمه تو را تواند سرایید؟
هر کلامی از بیان تو عاجز است،
کدام فهم و ادراک تو را دربر گیرد
که هیچ فهم و شعوری تو را درک نمی کند؟
۲- تنها تویی که به توصیف نیایی،
آن چه گفتنی است سرچشمه اش تویی.
تنها تویی که نتوان شناخت،
هر اندیشه را سرآغاز تویی.
جمیع مخلوقین تو را سپاس دارند،
چه آنها که گویابند و چه آنها که بی کلام.
۳- جمیع موجودات تو را ارج می نهند،
چه آنهایی که فکر می کنند و چه آنهایی که فاقد اندیشه اند.
جهان آرزو و ناله و فغان همگان به سوی تو می آید.
تمام وجود، تو را التماس دارد، و به سوی تو روان است.
هرآن که راز جهان از تو دانست،
ترانه ی سکوت به پیشگاه تو می خواند.
۴- هرآن چه بپذیر است، فقط در تو ساکن است
جنبش و حرکت عالم، در تو سرانجام می یابد
تو مقصد همه ی کائنات و یکتا تویی
اسم من تویی، نه من توأم، تو خدایی
تو نه موجودی منفرد و منزوی، نه همه موجوداتی.
۵- تو که شایسته ی هزاران لقبی تو را چه نام دهیم؟
فقط تویی که نتوان نام داد.
کدامین روح آسمانی، ابرهای سپهر را شکافته
و راز تو را آشکار گرداند؟
۶- بر ما ترحم فرما ای تو که ارفع و والایی
چگونه تو را به نامی دیگر می توان خواند؟

کتاب مقدس (Biblia)

ترتیب نامه های پولس = PhilHe' TimTit, ColThesThes, GalEphPhi, RoCoCo



«اما این ها نوشته شد تا ایمان آورید که عیسا همان مسیح، پسر خداست. و تا با ایمان، در نام او حیات داشته باشید» (یوحنا ۳۱:۲۰).
«این شاگردی است که بر این چیزها شهادت می دهد و این هارا نوشته است. ما می دانیم که شهادت او راست است.» (یوحنا ۲۴:۲۱).

آن چه بعضی ها می گویند...

* خدا سخن گفته و کلامش به واسطه ی کتب مقدسه به ما انتقال یافته است.

* بنابراین چرا یهودیان، مسیحیان، مسلمانان، یک کتاب ندارند؟

همانند یهودیان، مسیحیان را نیز « اهل کتاب» می نامند. اما تا چه اندازه این عنوان صحیح است؟

* برای مسیحیان، خدا در کتاب مقدس (Biblia) سخن گفته و خود را آشکار ساخته است. به این دلیل، کتابها (Biblia=)، کتاب مقدس آن هاست.

چه فرقی با کتاب مقدس یهودیان دارد؟

موسی به مدت چهل شبانه روز به کوه سینا رفت و خداوند در این مدت تورات را به او وحی کرد.

* مسیحیان با کتاب مقدس، بیش از حد آزادانه رفتار می کنند.

* یهودیان و مسیحیان، کتب مقدسه تحریف شده دارند.

* کتاب مقدس قسمت های غیراخلاقی دارد.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- کتاب مقدس را باید در يك روایت زنده جای داد.

قوم یهود، ابتدا از وجود خدا و عمل نجات او تجربه داشتند و در طول زمان بر این تجربه تعمق کرده بعد از سالیان سال، این سنت یا بهتر بگوییم این روایات را به رشته ی تحریر در آوردند.

هم چنین کلیسا بعد از نزول روح القدس در باره ی آن چیزی که در طول مأموریت عیسا « نگریستند و مخصوصا در زمان مرگ و رستاخیز تماشا کردند و دست هایشان لمس کردند در باره ی کلمه ی حیات» (اول یوحنا ۱: ۱) در نماز یادآوری کردند و در شهادت اعلام نمودند که بعد از چندین سال این روایات به رشته ی تحریر درآمدند.

لازم به ذکر است که همه این تجربیات و تعمق روایات و نوشته‌ها در نور روح القدس انجام شده است.

بنا براین، کتاب مقدس نشانه‌ی مهم و اصیل سنت و ایمان کلیسا می‌باشد.

امروز نیز مسیحیان می‌کوشند که در جریان این سنت مقدس کلیسا با کمک مسئولان و مقدسین جای گرفته و حرکت کنند.

زیرا «هیچ نبوت کتاب مورد تفسیر شخص نمی‌باشد.» (دوم پطرس ۱: ۲۰؛ ۳: ۱۵-۱۷)

۲- کتابی که عیسا مرکز آن است

برای مسیحیان، عیسا در رأس این کلام زنده‌ی خداست. در قله‌ی کلام خدا که همواره باید در روایت زنده قوم خداوند دریافت شود.

قدیمی‌ترین متون کتاب مقدس، آمدن عیسا را تدارک می‌بینند [موسی درباره‌ی من نوشته است (یوحنا ۵: ۴۶)] و عهد جدید، آمدن او را روایت می‌کنند و توضیح می‌دهند. عیسا «کلام خدا» است (یوحنا ۱: ۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۳).

۳- یک کتاب مقدس

کتاب مقدس یک کتاب علمی نیست که هدفش توضیح اسرار جهان باشد، بلکه یک کتاب مذهبی است. کتاب عهدی ما بین خدا و قومش، عهدی که همواره بالفعل است!

به این دلیل، کتاب مقدس در مرکز زندگی مذهبی مسیحی قرار می‌گیرد:

* در مرکز نیایش روزانه اش،

* در مرکز تعلیم و تربیتش،

* در مرکز زندگی و تجربیات مختلف در تمام ایام،

* در مرکز جماعات مسیحی و آیین کلیسا

کتاب مقدس کتاب زندگی است!

۴- کتابی مانند کتابخانه

(Biblia = کتاب‌ها، به یونانی) در حقیقت شامل ۷۳ کتاب است؛ ۴۶ کتاب آن که قبل از عیسا نوشته شده: عهدعتیق (کتاب مقدس یهودیان) نام دارند و ۲۷ کتاب که بعد از عیسا نوشته شده: عهد جدید نام گرفته‌اند.

* کتاب مقدس مجموعه‌ای است از کتاب‌های گوناگون:

- از نظر قدمت: از نه قرن قبل از عیسا تا یک قرن بعد از عیسا مسیح نوشته شده است؛

- از نظر زبان: عبری، آرامی، یونانی

- از نظر سبک ادبی: روایت تاریخی، شریعت، امثال، اشعار، نیایش‌ها، نامه‌ها، حکایت‌های کوتاه است و هر

خواننده‌ی آگاهی می‌تواند، به تنهایی این گوناگونی را ببیند.

* با وجود این، مسیحیان آن را یک کتاب، و حتی آن کتاب را به معنای واقعی کلمه می‌دانند.

۵- یک کتاب الهامی

به اعتقاد مسیحیان تمام کتبی که در این کتاب یگانه جای دارند، تحت الهام خدا نوشته شده اند.

* نه این که خدا آنها را نوشته باشد بلکه این کتب توسط انسان ها نوشته شده اند، پیامبرانی که ایمان داشتند از طرف خدا، از میان قومی که خدا می خواست با آنها به عهد زندگی کند، دعوت شده اند.

* ولی این نویسندگان که هر یک با نبوغ شخصی خود آن را به نگارش در آورده، منور شده، بارور گردیده و الهام یافته از روح خدا است. به این ترتیب، آنها عهد خدا را در تاریخ قومشان روایت می کنند: این نوشته ها در عین حال کلام انسان و کلام خدا هستند.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

۱- آنها می کوشند کلام خدا را درک کنند. نه این که از آن یک شریعت بسازند، بلکه تا روح آن را بفهمند. از ورای این گفتارهای قدیمی که در کتاب مقدس آمده است، آنها، آن چه را که خدا امروز به ایشان می گوید دریافت می کنند و به معنای آن پی می برند. و بدین ترتیب، به تجربه ی ایمانی انسان هایی که در این کتاب آمده اند، می پیوندند. آنها می کوشند تا بدانند، چطور این تجربه ی قدیم می تواند تجربه ی آنها را منور و بارور سازد.

کلام کتاب مقدس، به شرطی که درست بر آن تعمق شود، برای آنها کلام زنده ی امروز خدا می شود.

جهت تعمق بر معنای مختلف کتاب مقدس هر متن را می توان در سه مرحله تفسیر کرد: معنای خود متن، معنای کامل متن، معنای روحانی و زنده متن.

الف: معنای خود متن: را که اهمیت خاصی دارد با کمک متخصصین باید درک کنیم که نویسندگان چه مفهومی را می خواسته اند بیان کنند و چه چیزی را به خوانندگان متن آن منتقل سازند. بنابراین، دو مورد را باید روشن کرد؛ اول حالت و طرز فکر نویسنده، همراه با سبک نگارشی که استفاده نموده؛ دوم حالت سؤال های اشخاص یا گروه مورد نظر نویسنده.

ب: معنای کامل متن: هر متنی الهام شده در کل کتب مقدسه جا می گرفته، بنابراین باید آن را در ارتباط با اصلاحات و موضوع های مختلف کتاب مقدس، با علم به این که این معنای کامل در راز عیسای مسیح نهفته است زیرا خود او اتفاق محوری مرگ و رستاخیزش در نور تورات و همه پیامبران تفسیر می کرد (لوقا ۲۴: ۱۳-۳۲). ما اهل کتاب نیستیم، بلکه اهل آن کس، یعنی شاگردان مسیح، آن کلام تن گرفته و رستاخیز کرده.

ج: معنای روحانی و زنده متن: در نور روح القدس که کلیسا را به حقیقت کامل می رساند (یوحنا ۱۶: ۱۳) مفهوم متنی را باید درک کرد در ارتباط با زندگی امروز ما، زیرا خدایی که از راه اتفاقات و تجربیات مختلف قوم برگزیده، کلام خود را آشکار نموده، امروز نیز از راه اتفاقات و فرهنگ و تمدن خودمان صحبت می کند. پس، این سخن فعلی باید در ارتباط با کتاب مقدس را شنیده و درک کنیم. زیرا طرز فکر و زندگی امروز ما در نور متن بهتر درک خواهد شد.

۲- آنها در کتاب مقدس شریک می شوند.

معمولاً با برادران نشان، در اجتماع، در کلیسا، به کتاب مقدس گوش می دهند.

هم چنین، اغلب در تنهایی، آن را با دقت می خوانند تا معنایش را دریابند و آن را در قلب خود منعکس سازند.

۳- آنها کتاب مقدس را به عمل درمی آورند.

عیسا می گوید: «نه هر که مرا خداوند، خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که اراده ی پدر مرا که در آسمان است به جا آورد» (متی ۷: ۲۱).
بعد از شریک شدن در کلام کتاب مقدس، باید آن را به عمل درآورد. باید زندگی خود را تغییر داد تا با کلام خدا هم آهنگ شد.

کلام کتاب مقدس

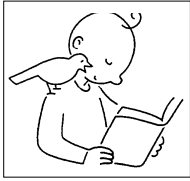
کلام خداوند: «چنان که باران و برف از آسمان می بارد و به آن جا برنمی گردد بلکه تا زمین را سیراب کرده، آن را بارور و برومند سازد، و بزرگتر را تخم و خورنده را نان می بخشد، هم چنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود، نزد من بی ثمر نخواهد برگشت، بلکه آن چه را که خواستم به جا خواهد آورد و برای آن چه آن را فرستادم کامران خواهد گردید». (اشعیا ۵۵: ۱۰-۱۱).

لیستی از کتابها برای مطالعه و تعمق بیشتر :

- *صحنه ی وقایع تاریخی عهد قدیم.
- *امید قوم خداوند (مجموعه کتابهای تعلیمی).
- *واژه هایی از کتاب مقدس
- برای مطالعه ی عمیق تر:
 - *چگونه عهد عتیق را بخوانیم؟
 - *چگونه عهد جدید را بخوانیم؟
 - *مباحث مقدماتی برای مطالعه کتاب مقدس.
 - *برگ های زرین از کتاب مقدس .
 - *پاسخ به ۱۰۱ سؤال .
 - * سنت، یک پیغام زنده .
 - *کتاب مقدس در سنت سریانی.
 - *ریشه های تاریخی ایمان ما، جلد اول و دوم.

متن جهت مطالعه ی گروهی: مرقس ۱: ۲۱-۳۴

ایمان و علم



«امروزه، انسان به کمک علم و فن، تسلطش را تقریباً بر روی همه ی طبیعت گسترده است و دائم وسیع تر می کند [...] کلیسا، نگهبان امانت کلام الاهی [...] می خواهد نور مکاشفه را به تجربیات همه اضافه کند تا راهی که بشریت در پیش گرفته را روشن سازد» (شورای اسقفان واتیکان دوم).

«اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه عالم را بدانم [...] و محبت نداشته باشم، هیچ هستم» (اول قرنتیان ۱۳: ۲).

آن چه بعضی ها می گویند...

سوال های بزرگ انسان

دنيا از کجا می آید؟
چرا ما زندگی می کنیم؟
چرا شر، چرا درد؟
بعد از مرگ چه هست؟
چگونه در این دنیا بهتر عمل کنیم؟
و خدا کیست؟
این سوالات در قلب انسان پایان ناپذیر هستند.

* دین مانعی برای علم و پیشرفت است؛ جلوی ترقی مردم را می گیرد.

* ایمان چیز بیهوده ای شده است، چون علوم به زودی قادر می شوند همه ی مشکلات و سوالات را حل کنند.

* غیر ممکن است کسی، در عین حال یک دانشمند واقعی و یک مسیحی ایمان دار باشد.

* بعضی دانشمندان، چنان در تحقیقات خود غرق شده اند که همین برایشان کافی است و به چیز دیگری فکر نمی کنند.

در قلبشان، ایمان دیگر جایی ندارد.

* آن چه که انسان ها به واسطه ی علم کشف می کنند، قبلاً خدا آن را به صورت وحی اعلام کرده است.

* علم کم، انسان را از خدا دور می کند، علم زیاد، انسان را به خدا نزدیک می کند (پاستور).

آن چه مسیحیان می گویند ...

در این جا، منظور ما از ایمان، ایمان مسیحی است. تاریخ روابط بین ایمان و علم، بسیار پرتلاطم است و قدم به قدم، همراه با همکاری و تفاهم متقابل جلو می رود.

۱- رویکردهای مختلف واقعیت

علم، تلاش انسان برای اکتشاف دنیا و جستجوی چگونگی تشکیل آن است. علم قبل از هر چیز بر عقل متکی است و جدیت و دقت آن از این جا ناشی می شود. امروزه، علم قدم های غول آسا بر می دارد. با وجود این، همیشه به محدودیت هایی برخورد می کند، چون حقیقت، خود را بیشتر و بیشتر پیچیده و دست نیافتنی نشان می دهد. هر چه علم چیزهای بیشتری را می داند، عظمت آن چه را که هنوز نمی داند بیشتر کشف می کند. امروزه، عالم باید بیش از همیشه فروتن و متواضع باشد.

ایمان، اعتمادی است که انسان به خدا دارد تا آن چه که خدا می خواهد از اسرار مرگ و زندگی و معنای نهایی هستی را به عنوان مژده بپذیرد. ایمان، در عین حال که به جدیت و یک پارچگی منطقی احترام می گذارد، قبل از هر چیز، پذیرایی کلام خدا و جواب گفتن به این کلام است. برای مسیحیان، عیسا این کلام زنده است که آمده تا زندگی را عوض کند و معنای جدیدی به هستی بدهد. آن چه که ایمان را به حرکت می آورد در درجه اول عقل نیست، بلکه محبت است.

۱- تضادهای ممکن

این تضادها ممکن است از علم ناشی شوند، وقتی که علم، به واسطه ی جدیت اقدامش ادعا دارد بر تمام مقاطع زندگی حکم براند، گویی تنها دانشمند است که می تواند به سوالات بزرگ بشر پاسخ دهد! بدین ترتیب، زندگی روحانی و ایمان به چیزی بهبوده، کودکانه یا حتی مسخره محدود می شود. بر عکس، تضادهایی می تواند از ایمان ناشی شود، اگر ایمان به بهانه معنی دادن به هستی، تنها تأیید آن چه که خدا مکشوف کرده است را از علم انتظار داشته باشد. از این دیدگاه، هر تلاش علمی که به تأیید ایمان منجر نشود، بهبوده و اشتباه به نظر می رسد. علم اعتباری ندارد مگر در خدمت ایمان. در واقع علم و ایمان به هیچ وجه رقیب هم نیستند. «ایمان با دلیل تفاوت دارد، یکی انسانی است و دیگری عطای خداست» (پاسکال، کتاب تفکرات صفحه ی ۶۰۲).

۲- غنای متقابل

ایمان و علم می توانند در درجه ی اول تکیه گاه هم باشند و هر یک به موفقیت دیگری کمک کند. مثلاً شناختی عمیق از زبان های قدیمی، تاریخ و فرهنگ مشرق زمین، اجازه می دهد پیام کتاب مقدس را بهتر بفهمیم و از آن تعذیه کنیم. هم چنین علاقه ی پر شور یک طبیعی دان مسیحی برای برادرانش، انسان ها، می تواند مشوق تحقیقات او باشد و باعث سرعت اکتشافات بشود.

«علم می تواند ایمان را از اشتباه و خرافات پاک کند. ایمان می تواند علم را از بت پرستی و مطلق های دروغین بزدايد [...] هر کدام می توانند دیگری را به دنیایی وسیع تر ببرند (پاپ ژان - پل دوم).»
به ویژه، هر دو با هم وظیفه دارند به انسان خدمت کنند. هر یک به طریق خود انسان را کمک می کنند تا به سوال بزرگ هستیش یعنی معنی زندگی جواب بدهد. دانشمند می گوید: «من می توانم این دستکاری ژنتیک را انجام دهم، ولی آیا باید بکنم؟ به چه عنوان؟» مسیحی می گوید: «معتقدم که این گدا که به سوی من دست دراز می کند، فرزند خداست، ولی آیا باید به او چیزی بدهم؟ و چقدر؟ این برای او و برای من چه معنایی دارد؟»

ایمان و عل هر یک به نوع خود، انسان را هدایت می کند تا زندگی را به دست بگیرد، تصمیم بگیرد و آزادیش را تجربه کند. شخص خواه مؤمن، خواه دانشمندی خواه هر دو، هر کس در وجدان آزادش باید درباره زندگی خود تصمیم بگیرد.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

هر تلاش برای بهتر دانستن، انسان را بزرگ می کند. « برای او راهی است برای مسلط شدن بر زمین» (پیدایش ۱: ۲۸). مسیحیان دعوت شده اند نه تنها کار علم را تحقیر نکنند، بلکه با اشتیاق، به نسبت استعداد و علاقه و توانایی شان، به آن پردازند. به استناد همان ایمان نشان باید کار علمی را کاری شریف و مهم برای ملکوت خدا بدانند. امروزه، همانند گذشته، دانشمندان بزرگی هستند که مسیحی اند.

با این همه، آن ها دعوت شده اند استقلال نسبی علم را محترم بشمارند و ایمان را در جریان طبیعی یک تجربه ی علمی دخالت ندهند که نتایج را دست کاری نکنند. روش علمی برای همه الزامی است و ایماندار با محترم داشتن دقیق آن، به اندازه یک غیر ایمان دار، احترام خود را نگه می دارد.

در عوض، هر بار که اکتشافات دانشمندان، عظمت و حرمت بشر، حفظ و زیبایی آفرینش را به مخاطره می اندازد، مسیحیان باید سوالات خود را به دانشمندان عرضه کنند. بدین ترتیب بعضی مسیحیان، در چهارچوب یک بیمارستان، یک منطقه یا یک ملت، به کمیته ی اخلاقی تعلق دارند. آن ها در این جا نقشی مهم به عهده دارند، بدون این که نظر خود را تحمیل کنند، از ایمان خود و امید خود، شهادت می دهند.

مسیحیان خصوصاً دعوت شده اند که در مقابل اکتشافات قابل ستایش علم، مثلاً در مقابل شکوه و عظمت یک ستاره که از ورای تلسکوپ دیده می شود یا در مقابل درمان اعجاب انگیز بیماری های سخت مثل جذام، خوشحال شوند. مسیحیان باید بدانند که آثار حقیقت، برای دوست داشتن و آشتی دادن حقیقت با محبت، آشتی دادن انسان ها و خدا، به وجود آمده اند.

این وظیفه ی مسیحیان است که تلاش علم را به سمت خدای پدر به صورت سپاسگزاری ارج نهند.

کلام ایمان

علم یکی از زیباترین فعالیت ها، در میان فعالیت های پیشنهادی به انسان است. ولی ما مطمئن هستیم که با وجود عظمتش، نمی تواند و هرگز نخواهد توانست همه ی مسائل را حل کند. معنای نهایی جهان و هستی انسانی، از دسترس علم خارج است. ما هم چنین مطمئن هستیم که تمایل به سوی خوبی یا بدی هر بشری مستلزم رفتاری روحانی است که از طرح علمی فراتر می رود. ما هم چنین فکر می کنیم که هیچ چیز در جستجوی حقایق علمی و در نتایجی که علم به همراه می آورد، مغایر با یک برداشت مسیحی بر این جهان نیست. علاوه بر این، شناخت ما از علم، اجازه می دهد تا عمق بعضی جنبه های مسائل روحانی را عمیق تر بشناسیم. علم که به ما دیدی هر چه وسیع تر از جهان می دهد، ما را به درک عمیق تری از راز مسیحی وامی دارد (اعلامیه اتحاد دانشمندان مسیحی). «شناخت علمی، جزء مهمی از آزاد شدن بشر است. این شناخت، اجازه می دهد، جواب های بهتری جهت مبارزه با ازدیاد جمعیت، هم چنین فقر و گرسنگی بیابیم؛ این شناخت، به همبستگی انسان ها، احترام بین انسان ها و حرمت آن ها، کمک می کند. این شناخت هم چنین در نوع خود از حقیقت جهان و انسان پرده بر می دارد و با مکاشفه ی الاهی همراه می شود تا طرح الاهی را در تاریخ، روشن سازد (مجمع مشاوره اسقفی حوزه ی کلیسای اوری).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

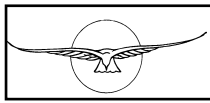
- * کتاب پیدایش چه می گوید؟ باب اول.
- * پاسخ به ۱۰۱ سؤال درباره ی کتاب مقدس .
- * جواب مسیحی.

مجمع اسقفان واتیکان دوم:

«این شورای مقدس، با یادآوری تعالیم اولین مجمع شورای اسقفان واتیکان دو، اعلام می دارد که «دو نظم معرفت» وجود دارد که از یک دیگر مجزا می باشند، یعنی نظم ایمان و نظم منطق، و اینکه واقعا " کلیسا مخالف «استفاده از هنرها و علوم انسانی با اصول و روش های خاص در زمینه های مربوطه، نمی باشد»؛ بنابراین، «این حق آزادی را به رسمیت می شناسد» و استقلال برحق فرهنگ و مخصوصا " استقلال علوم را مورد تأکید قرار می دهد».

(مجمع واتیکان دو، کلیسا در دنیای امروز، شماره ۵۹ پاراگراف سوم)

پیامبران



«ما ایمان داریم... به روح القدس که به واسطه ی پیامبران سخن گفته است» (قانون ایمان مسیحی).

«زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند» (۲-پطرس ۱: ۲۱).

آن چه بعضی ها می گویند...

- * پیامبران چه فایده ای دارند؟ انسان برای هدایت زندگی خود به نوری جز منطق و آزادی خویش احتیاج ندارد.
- * پیامبران کسانی هستند که ادعا می کنند از آینده خبر دارند. در این خصوص مقدار زیادی اغفال و ساده لوحی نهفته است حتی اگر بعضی از پیشگویی ها نتیجه ی توانایی های طبیعی (مثل ادراک باطنی، حساسیت و لطافت طبع فوق العاده...) باشند.
- * کتب هایی که در کتاب مقدس به پیامبران نسبت داده شده اند، بیش از حد انسانی هستند (از لحاظ سبک، تصاویر...) تا بتوانیم آن کتاب ها را وحی شده از طرف خدا قبول کنیم.
- * پیامبرانی مانند نوح، ابراهیم، موسی و دیگران، با مأموریتی یگانه یکی از پس از دیگری آمده اند و باید به آخرین آن ها گوش داد و او را پیروی کرد.
- * یهودیان و مسیحیان به دلیل تعصبات فرقه ای خود ادعا می کنند که پیامبران حقیقی، تنها از آن ایشان هستند.
- * امروز نیز بعضی ها ادعا دارند پیامی از طرف خدا به مردم بدهند.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- خادمان عهد

پیامبران از جانب خدا دعوت و فرستاده شده اند تا کلام او را در میان مردم اعلام کنند. خدا، خصوصاً بعد از ظهور خود در کوه سینا، انسان هایی مانند موسی را برلی خود انتخاب کرد، کلام خود را برای بیان وعده ها و نیز شناساندن اراده ی خود و تشویق مردم به وفاداری، در قلب آن ها الهام کرد. از آن جا که راز خدا از راه تجربیات قوم برگزیده آشکار می شود پیغمبر باید در اتفاقات زندگی فعلی تعمق نموده معنی و پیام روحانی که در آنها نهفته است را در نور تجربیات گذشته در نور خداوندت تشخیص ده، («ای ارمیا چه می بینی؟» (رامیا ۱: ۴-۱۹)؛ رجوع کنید به کتاب «چگونه عهدعتیق را بخوانیم» صفحه ی ۳۷). پیامبران، حضور خدا در تاریخ را تشخیص داده و اعلام می کنند تا انسان ها را به سوی نجات هدایت کنند. به همین دلیل، به خداوند بسیار نزدیک هستند: «ای خداوند، مرا فریفتی، پس فریفته شدم» (ارمیا ۲: ۷). ایشان همانند نگهبانان شب به قوم خود نیز بسیار نزدیکند. خدا به حزقیال فرمود: «من تو را، ای پسر انسان، برای قوم خود به دیده بانی تعیین نمودم تا کلام را از دهانم شنیده، ایشان را از جانب من متنبه سازی» (حزقیال ۳۳: ۷).

۲- مکاشفه تدریجی محبت خدا به انسان‌ها

* خدا به ابراهیم وعده داد که از نسل او قومی به وجود خواهد آورد که دلبسته او باشند. او پی‌درپی پیامبرانی فرستاد تا این قوم را به واسطه کلام و رفتار پر معنایشان، به امیدواری در نجات، راهنمایی کنند. موسی در میان این مردان بزرگ خدا، جایگاهی منحصر به فرد دارد؛ به واسطه او، خدا قوم خود را در اطاعت به ده فرمان جمع‌آوری کرده است. پس از او، ایلیا، عاموس، هوشع، اشعیا، ارمیا، حزقیال، و بسیاری فرستاده شدند تا انسان‌ها از خدایان دروغین دست بکشند، و خود را تنها به خدای یکتا بسپارند و در اتحادی هر چه عمیق‌تر با او، تنها از او انتظار رحمت و آرامش داشته باشند. پیامبران به انسان‌ها هشدار داده و تشویق می‌کنند تا از **گناهان خود مطلع** شوند و زندگی خود را دگرگون ساخته و حیات جاودان داشته باشند. با متجلی نمودن محبت الهی، به آن‌ها امیدواری می‌دهند و آمدن نجات‌دهنده، **مسیح** را اعلام می‌کنند. خدا از زبان ارمیا وعده می‌دهد: در آن هنگام «شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود... جمیع ایشان از کوچک و بزرگ مرا خواهند شناخت چون که عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد» (ارمیا ۳۱:۳۳-۳۴). پس ایمانداران کم‌کم درک کردند که یکتا پرستی این نیست که فقط اعلام کنند خدا یکی است با علم به اینکه در قلبشان بت‌های مختلفی وجود دارد بلکه دلشان را از هر نوع پراکندگی و اهداف دنیوی پاک کرده و دعا می‌کنند: «قلب مرا یکی ساز که تو را بشناسم» (مزمور ۸۶:۱۱؛ رجوع کنید ۲۷:۸، ۵۱:۱۲، ۷۳:۲۶).

* برای مسیحیان، این مسیح موعود، **عیسا** است: او آن پیامبر به مفهوم والای کلمه است (تثنیه ۱۸:۱۵-۱۹؛ اعمال ۳:۲۲، ۷:۳۷؛ یوحنا ۱:۱، ۶:۱۴، ۷:۴۰؛ عبرانیان ۱:۱ و ۲) و اعلام می‌کند که با آمدن او وعده به تحقق رسیده است (لوقا ۴:۲۱). او با گفتار و اعمال خود اعلام می‌کند که «ملکوت خدا نزدیک است». در واقع، عیسا شخصی بسیار فراتر از پیامبر است: (با او که عمانوئیل نام دارد و توسط روح القدس کاملاً مسح شده (مسیح)، حضور خدا در میان انسان‌ها به ثبات رسیده و در عمق قلب انسان به صمیمیت رسیده است. خود او در شب قبل از مرگش، در همان عمل پیامبرانه‌ای که شام آخر با دوستانش بود، محبتش را متجلی کرد. او نان را پاره کرد و پیاله را به ایشان داد و گفت: «بگیرید و بخورید [...] همه شما از این بنوشید» (متی ۲۶:۲۶-۲۷) «این پیاله عهد جدید است...» (لوقا ۲۲:۲۰).

* بعد از این، انسان‌ها برای شناخت اراده جدید خدا دیگر نیازی به پیامبر ندارند: درباره راز پدر آسمانی همه چیز گفته شده است! توسط عیسی که خود یکتا پسر است. اما اگر توسط عیسی تمام راز الهام شده، باید به اعماق آن پی‌برد بنابراین مسیح قول داده: «روح القدس شما را به حقیقت کامل خواهد رساند» (یوحنا ۱۶:۱۳) و همراه با روح القدس، کلیسا و هر تعمید یافته این محبت خارق‌العاده را با همه ثمرات عدالت، صلح و شناختن خدا به تمام ملت‌ها اعلام کنند و کلیسا این مأموریت پیامبرانه راز و نجات مسیح را نسبت به انسان‌هایی که روح خدا در آن‌ها ساکن است مکشوف سازد (یوحنا ۲۰:۲۱-۲۳) همچنین کلیسا پیامبرگونه آینده و هدف تاریخ بشر را اعلام کرده فریاد می‌زند: «خداوند می‌آید».

۳- گوش دادن به پیامبران

پیامبران کسانی هستند که از میان ملت خود برگزیده شده‌اند و مثل آن‌ها احساس می‌کنند و مثل آن‌ها حرف می‌زنند: خدا آن‌ها را انتخاب کرده تا در زندگی هموطنانشان، در میان مبارزات و امیدواری‌هایشان در اتفاقات روزمره اراده خدا را تشخیص داده، پیام خدا را به آن‌ها برسانند. به همین دلیل کلام پیامبران در عین حال **کلام انسان و کلام خداست** و از این رو باید تفسیر شود. «کسی که چشم برای دیدن و گوش برای شنیدن» دارد یاد می‌گیرد که پیامبران حقیقی را از میوه‌هایشان بشناسد. یکی از مسؤولیت‌های کلیسا اینست که امروزه نیز همچنان پیام پیامبران قدیم را به گوش مردم زمان ما برساند و هشدار دهد به پیامبران دروغین گوش ندهیم. (متی ۷:۱۵-۲۰؛ ۲۳:۲۴-۲۵).

آن چه مسیحیان در انجام آن می‌کوشند...

* مسیحیان هنوز هم کتاب‌های نبوتی کتاب مقدس را می‌خوانند و بر نبوت آن‌ها تعمق می‌کنند. خصوصاً کتاب‌های اشعیا، ارمیا، حزقیال، عاموس، یوشع، میکا، زکریا... کتاب‌های عهدجدید غالباً ما را به کتب پیامبران عهدعتیق رجوع می‌دهند چون اناجیل مسیح را به عنوان کسی که گفته‌های پیامبران را به انجام می‌رساند، نشان می‌دهند.

* در کلیسا مسیحیان سعی می‌کنند «نشانه‌های زمان» را تشخیص دهند تا بتوانند با عمل روح القدس در دنیا همکاری کنند. آن‌ها در عین حال دردهای زمان ما و هم چنین محبت همیشه حاضر خدا، همراه با بخشایش و کلام نجات همواره زنده و فعال را کشف کرده و اعلام می‌کنند.

در زبان یونانی واژه ی پیامبر به معنای انسانی که «از پیش حرف می‌زند» یعنی هم انسانی که در پیش خدا و از جانب او حرف می‌زند و هم آن که پیش مردم حرف می‌زند یا کسی که از پیش، پیام آور خبر از آینده می‌باشد.

Nabi (نبی) واژه ی قدیمی عبری است به معنای «کسی که به واسطه ی خدا دعوت شده» تا مأموریتی را برای او انجام دهد یا کسی که مردم را به سوی خدا دعوت کند.

* مسیحیان که در روح القدس تعمید یافته‌اند هنوز به نوعی وظیفه‌ای پیامبرانه دارند (اعمال ۱۱:۲۷؛ ۱۰:۲۱؛ ۱-قرن‌تیا ۱۲:۲۸، ۱۴:۳۷؛ افسسیان ۴:۱۱). هر چند مثل پیشینیان وعده‌هایی جهت آینده را اعلام نمی‌کنند لیکن تحقق آن‌ها را در کلیسای مسیح می‌نمایند. همیشه باید به انسان‌ها مقام والای فرزند خدا بودن را اعلام کرد و به آن‌ها یادآوری نمود که انسان «نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴:۴ که از تثنیه ۸:۳ نقل قول می‌کند) و تذکر داد که آدمیان به زندگی ابدی دعوت شده‌اند. مسیحیان به صورت خاص توسط زندگی خود خلقت نوین و آمدن پرجلال خداوند را اعلام می‌نمایند.

اطلاعات مفید

در چه متونی از کتاب مقدس راجع به پیامبران می‌خوانیم؟

* درباره ی موسی به کتاب‌های خروج، اعداد و تثنیه رجوع کنید.

* در مورد پیامبران بعدی، کتاب‌های سموئیل و پادشاهان (مثلاً درباره ی ایلیا) را بخوانید.

* مجموعه‌ای از الهامات پیامبران در کتاب‌های اشعیا، ارمیا، حزقیال و دوازده پیامبر دیگر یافت می‌شود. متوجه کنایه‌ها و مفاهیم تاریخی و معنای تصویری برخی کلمات باشید (مثلاً بت پرستی یعنی بی وفایی به خدای یکتا و رحیم، زنا نامیده شده است...).

* به همین دلیل، مقدمه‌ها و یادداشت‌های برخی ترجمه‌های کتاب مقدس، در حال حاضر کتاب «برگ‌های زرین از کتاب مقدس» و همچنین «چگونه عهدعتیق را بخوانیم»، در این مورد مفید می‌باشد.

برای مطالعه و تعمق بیشتر ...

- امید قوم خداوند.
- صحنه وقایع تاریخی عهد قدیم.
- تفسیر کتاب های ایوب، اشعیا، ارمیا، ایلیا و الیشع، حزقیال و اشعیاوی دوم.
- مردان خدا.
- ۱۰۱ سوال درباره ی کتاب مقدس.

برای مطالعه ی عمیق تر:

- چگونگی عهد عتیق را بخوانیم
- ریشه های تاریخی ایمان مسیحی، جلد اول
- برگ های زرین کتاب مقدس
- ر.ک به برگه های: «۱/۵، عیسا کیست؟»؛ «۱/۲، کتاب مقدس»؛ «۲/۸، روح القدس».

آیا عیسا یکی از پیامبران بود؟

* خیر! طبق عقیده ی یهودیان، آلف پیامبر بود یعنی موسای نوین. «چون مردمان، این نشانه را که از عیسا صادر شده بود، دیدند، گفتند: «این البته آن پیامبر است که باید در جهان بیاید.» (یوحنا ۶:۱۴؛ ر.ک. ۱:۱۸؛ ۷:۴۰؛ اعمال ۳:۲۲-۲۴؛ تثنیه ۱۸:۱۷-۱۹).

* اما برای شاگردان، مخصوصاً بعد از رستاخیز مسیح؛ او یکتا پسر خداست: «ای خداوند من و ای خدای من.» (ر.ک. یوحنا ۲۰:۲۸-۳۱؛ ۶:۶۸-۶۹؛ متی ۱۶:۱۶-۱۷).

* طبق تاکید خود عیسا: «همه چیز را پدر به من سپرده است؛ و هیچ کس نمی شناسد که پسر کیست جز پدر، و نه پدر کیست غیر از پسر، و هرکس پسر را بخواهد برای او مکشوف سازد.» (لوقا ۱۰:۲۲؛ متی ۲۶:۶۳-۶۴؛ یوحنا ۱۴:۸-۱۰؛ ۸:۵۶-۵۹).

* بنابراین، تمام نبوت در او به کمال رسیده و او خاتم الانبیا می باشد: «گمان مبرید، که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا به اتمام رسانم.» (متی ۵:۱۷؛ ر.ک. لوقا ۱۸:۳۱، ۲۴:۴۴؛ یوحنا ۱۹:۲۸)
* بعد از عیسا، مسیحیان نمی توانند کسی را به عنوان پیامبر کامل تری بپذیرند: «کسی که پسر را انکار کند پدر را هم ندارد...» (ر.ک. ۱-یوحنا ۲:۲۲-۲۳؛ ۴:۱-۳؛ متی ۷:۱۵-۱۶؛ ۲۴:۱۱، ۲۴).

* در نتیجه: «خدا که در ایام سلف به اقسام متعدد و طریق های مختلف به وساطت انبیا با پدران ما تکلم نمود، در این ایام که زمان آخر می باشد به ما به واسطه پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و به وسیله او عالم ها را آفرید؛ که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده، و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی علین بنشست، و از فرشتگان افضل گردید، به مقدار آن که اسمی بزرگ تر از ایشان به میراث یافته بود.» (عبرانیان ۱:۱-۴).

عیسا کیست؟



«پس قوم اسرائیل، جملگی به یقین بدانند که خدا این عیسا را که شما بر صلیب کشیدید، خداوند و مسیح ساخته است» (اعمال رسولان ۲: ۳۶) [اولین شهادت پطرس]

آن چه بعضی ها می گویند...

مسیح که به یونانی کریستوس و به عبری ماشیح می گویند، در عهد قدیم به معنای کسی است که روغن مقدس بر سرش ریخته باشند و این نشانه ی فرستادگان خداست. در عهد جدید مسیح کسی است که خدا او را فرستاده تا مردمان را نجات دهد، و از خدای پدر روح القدس را دریافت کرده و توسط او مسح شده است. القاب و عناوین مختلف دیگری در انجیل به عیسا داده شده مثل: عمانوئیل، پسرانسان، پسر داود، پسر خدا و غیره.

نام عیسا که در قرآن آمده، از اسم عیسو پسر بزرگ اسحاق که حق نخست زادگی خود را به برادرش یعقوب در عوض آش عدس فروخت (پیدایش ۲۵: ۳۰-۳۱)، گرفته شده است. گویا یهودیان به تمسخر این اسم را به عیسا نسبت دادند اما اسم صحیح عیسا، عیسوع می باشد به معنی «یهوه نجات می دهد»، (ا متی ۱: ۲۱).

دوستان عیسا آن قدر لقب مسیح را تکرار کردند که خیلی زود آن ها را «مردمان مسیح» یا مسیحیان نامیدند. بعضی نیز عنوان «نصاری» گرفتند که در زبان پهلوی به آن ها ترسا گفته می شد.

* عیسا پیامبری بوده که قومش کلام او را قبول نکردند.
* عیسا، ماشیح یهودیان بود، یعنی مسیحی که پیامبران پیشین اعلام کرده بودند.
* عیسا یک رویابین بود و آرمانی دست نیافتنی را موعظه می کرد. در واقع مسیحیت دین فرشتگان و انجام فرامین آن بسیار دشوار و غیر ممکن می باشد.
* عیسا پیغمبری بزرگ بود و حتی روح الله و مسیح خداوند نامیده شد و چون شاگردانش تصور کردند که کشته شد و رستاخیز کرد به غلط اعلام کردند که او پسر خداست.

این عیسا کیست که به گونه های مختلف درک شده است؟
توسط آن هایی که زندگی و پیام او را برای ما روایت کرده اند، شاگردانش بوده اند و او را «ماشیح» یا «کریستوس» نامیدند.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- عیسا زنده است

عیسا، یک روز جمعه در جایی که روی صلیب میخکوب گردیده بود جان سپرد، در برابر مادرش، دوستانش و دیگران. او وفات یافت و روحش را به خدا سپرد. صبح یکشنبه، قبر او خالی بود. همان روز، خود را به دوستانش آشکار کرد. آن ها بدن او را لمس کردند، زخم هایش را دیدند و با او طعام خوردند. واقعاً خود او بود! به آن ها گفت: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین، به من داده شده است [...] و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم (متی ۲۸: ۱۸-۲۰).

عیسا برخاسته است بنابراین (رستاخیز او مثل زنده شدن ایلعاذر نیست که دوباره مرد) بر مرگ پیروز گشته و خداوند زندگان و مردگان و سرچشمه ی حیات واقعی می باشد.؟؟؟؟
این بشارت عظیمی است که مسیحیان از بیست قرن پیش به این طرف به همه ی انسان ها اعلام می کنند.

۲- عیسا کیست؟

از همان ابتدا، تولد عیسا رازگونه بود. او پدر انسانی نداشت و مادرش، مریم، باکره بود و عیسا در او، تنها به اراده ی خدا و قدرت روح القدس تولد یافت (لوقا ۱: ۲۶-۲۸).

لیکن عیسا اغلب از خدا به صورت خاصی سخن می گفت: مثل کسی که با او بسیار صمیمی باشد و او را از درون بشناسد. در نیایش چنان با خدا سخن می گفت که گویی او را می بیند و می شنود. خدا را پدر خطاب می کرد و می گفت: «تو ای پدر در من هستی و من در تو... و ما یک هستیم» (یوحنا ۱۷: ۲۲). اما به جای کلمه پدر از لقب پر از صمیمیت «ابا» استفاده می کرد (مرقس ۱۴: ۳۶؛ رومیان ۸: ۱۵؛ غلاطیان ۴: ۶).

در انجیل، دوباره، به هنگام تعمید عیسا و هنگام تجلی او، خدای «پدر» اعلام می کند: «این است پسر حبیب من که از او خشنودم. او را بشنوید!» (متی ۳: ۱۷، ۱۷: ۵).

چه کسی می تواند کلمات پدر یا پسر را، که به خدا نسبت داده اند درک کند؟

با این حال، خدا این کلمات را می گوید. در این جا رازی هست، راز خدا، که عیسا از آن آگاه است و می خواهد ما را نیز از آن آگاه سازد. نه تنها در کلمات بلکه در رفتارش، و در معجزه هایش نیرویی از زندگی و محبت احساس می شود که از ماورای انسان می آید.

بعد از رستاخیز پر جلال عیسا، شاگردان به تدریج درک کردند که او کلام خدا («پسر خدا») است که از ازل نزد پدر وجود داشته است و شروع کردند او را خداوند بنامند. (ر. ک، برگه شماره ۱/۱، خدا کیست؟)

۳- مأموریت عیسا

خود او گفته است: «من آمدم تا ایشان (انسان ها) حیات یابند و آن را زیاده تر حاصل کنند» (یوحنا ۱۰: ۱۰).

* در تمام اعمال او، محبت عظیمش نسبت به بیچارگان و کوچکان و گناهکاران دیده می شود. او می گفت: «نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند [...] نیامده ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» (متی ۹: ۱۲-۱۳).

فرقه ای از یهودیان به نام فریسیان، عیسا را به عنوان شخصی ناپاک و نجس محکوم می کردند. اما پاکی چیست؟ (متی ۲۳:۲۶؛ مرقس ۷:۱۹؛ لوقا ۱۱:۳۷-۴۱؛ تیطس ۱:۱۵).

* او به همه پیشنهاد می کند که از در آشتی با خدا درآیند و با او رابطه ی جدیدی برقرار کنند: رابطه ای توأم با اعتماد و محبت پدر- فرزند، یک **عهد جدید** میان خدا و بشریت.

* او امروز نیز به هر انسانی بخشایش و محبت پدر را **عرضه می کند**. می خواهد از تمام انسان ها یک قوم جدید بسازد، قومی از برادران و خواهران که در آن هیچ تبعیض نژاد و زبان یا طبقات اجتماعی وجود ندارد.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

* آن ها با عیسا همراه می شوند: می دانند که او همواره با آن هاست، با او سخن می گویند و به کلام او گوش می دهند و به رهبری او تسلیم می گردند تا همیشه با او بمانند. (یوحنا ۱:۳۸-۳۹؛ ه اول یوحنا ۲: ۶، ۲۴).

* مسیحیان با عیسا نیایش می کنند. عیسا گفته بود: «من تاک هتم و شما شاخه ها، آن که در من می ماند و من در او میوه بسیا می آور» (یوحنا ۱۵:۵). مسیحیان چون تحت رهبری عیسا هستند، با کلمات او که یکتا پسر می باشد با او نیایش می کنند و می گویند: «ای پدر ما...».

* آن ها در جریان سنت رسولان و کلیسا انجیل را می خوانند و بر آن تعمق می کنند. همین باعث می شود که با نور روح القدس در کلیسا شخص عیسا را بشناسند و پیام او را دریابند.

* مسیحیان با عیسا عمل می کنند. عیسا به آن ها گفته بود: «یک دیگر را محبت نمایند چنان که من شما را محبت نمودم». البته این محبت الهی برای انسان های گناهکار سخت نیست بلکه غیرممکن می باشد. اما روح القدس به ما داده شده که خود همان محبت الهی است (لوقا ۱۸:۲۷). مسیحیان می کوشند رفتار عیسا را در برابر انسان ها، خصوصا در برابر کوچکان و فقرا پیروی کنند. این دعوت موجب می شود که آن ها حتی گاهی تمام زندگی شان را در خدمت به دردمندان، ایمن دار و غیرایمن دار، بدهند. این عیسا است که بدین ترتیب، به زندگی در محبت خدا برای همه ی انسان ها، ادامه می دهد. [همه ی انسان ها: چون او انسانیت ما را به عهده گرفته است.]

* همه آن هایی را که عیسا را می پذیرند آزاد و متحول می سازد تا مانند برادری به برادر بزرگترش، شبیه او شوند. در روز آخر، این عمل پایان می پذیرد و در نور خدا آشکار می شود و همه پیروزی عیسا و روحش را بر شرارتی که روی زمین هست، خواهند دید. در آن روز پر جلال تمام مخلوقات توسط روح القدس با همکاری کلیسا در مسیح جمع شده خدا را سپاس خواهند گفت (افسیسیان ۱:۱۰).

کلام کتاب مقدس

«ای قوم اسرائیل، این را بشنوید: چنان که خود آگاهید، عیسا ی ناصری مردی بود که خدا با معجزات و عجایب و آیاتی که به دست او در میان شما ظاهر ساخت، بر حقانیتش شهادت داد. آن مرد بنا بر مشیت و پیش دانی خدا به شما تسلیم کرده شد و شما به دست بی دینان بر صلیبش کشیده، کشتید. ولی خدا او را از دردهای مرگ رهانیده، برخیزاند، زیرا محال بود مرگ بتواند او را در چنگال خود نگاه دارد» (اعمال رسولان ۲: ۲۲-۲۴).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

* انجیل مسیح

* عیسا کیست؟

* زندگی عیسا نجات دهنده ما

* سخنی از رستاخیز

* شخص مسیح (نویسنده: ویلفرد دیوان)

* عیسای ناصری

* ریشه های تاریخی ایمان ما، جلد دوم [عهد جدید]

* تمام کتاب هایی که از آن ها در این قسمت برگه ها نام برده شده موجود می باشند.

متن جهت مطالعه گروهی: مرقس ۱: ۱-۱۱

بعضی از اسامی عیسا در عهد جدید:

- مسیح: یوحنا ۶: ۱۳؛ متی ۱۶: ۲۰-۲۲؛ ۱-سموئیل ۹: ۱۶؛ ۲-سموئیل ۷: ۱۲-۱۶؛ مزمو ۱۳۲: ۱۷.
پسر داوود: مرقس ۱۰: ۴۷؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۲: ۳۵-۳۶؛ مکاشفه ۳: ۷؛ ۲-سموئیل ۷: ۱۲-۱۶؛ اشعیا ۵۵: ۳.
پسر انسان: متی ۸: ۲۰؛ ۱۶: ۱۳، ۲۱؛ ۲۴: ۳۰؛ مکاشفه ۱: ۱۳؛ حزقیال ۲: ۱؛ دانیال ۷: ۱۳.
بره: یوحنا ۱: ۲۹؛ ۱-یوحنا ۳: ۴-۵؛ مکاشفه ۵: ۵، ۸، ۱۲-۱۳؛ ۱۷: ۷؛ ۱۹: ۷-۹؛ خروج ۱۲: ۵، ۱۳؛ اشعیا ۵۳: ۷.
نجات دهنده: متی ۱: ۲۱؛ اعمال ۴: ۱۲؛ یوحنا ۴: ۴۲؛ مزمو ۲۵: ۵.
خادم: لوقا ۱: ۶۹؛ اعمال ۴: ۲۵؛ ۸: ۳۴؛ متی ۱۲: ۱۸-۲۱؛ ۱-پطروس ۲: ۲۲-۲۵؛ اشعیا ۴۲: ۱-۴؛ ۴۹: ۱-۶؛ ۵۰: ۴-۱۱؛ ۲۵: ۱۳-۵۳.
کاهن بزرگ: عبرانیان ۶: ۲۰؛ ۹: ۱-۲۸؛ خروج ۲۹: ۴۲.
خداوند: اعمال ۲: ۳۶؛ یوحنا ۱۰: ۲۸؛ مکاشفه ۲۰، ۲۱، ۲۲؛ پیدایش ۱۵: ۲، ۸؛ مزمو ۱۱۰.
پسر خدا: لوقا ۱۰: ۲۲؛ ۲۲: ۶۹؛ یوحنا ۳: ۱۶-۱۸؛ عبرانیان ۱: ۴؛ خروج ۴: ۲۲-۲۳؛ ۲-سموئیل ۷: ۱۴؛ هوشع ۲: ۱۱.
و غیره: کلام یا (سخن خدا)، رستاخیز و حیات، راه، نور، سرچشمه، شبان نیکو، داماد، نان حیات، «من هستم»، داور عادل، الف ویا، اول و آخر، شاهد، آن «امین»، قدوس (ر.ک مکاشفه ۲-۳ و...).

چهار انجیل



«خداوند گیتی به رسولانش اقتدار اعلام مژده (انجیل) را بخشید ... این مژده را اول شفاهاً اعلام کردند. بعد طبق اراده خدا به ما آن را در نوشته های مقدس منتقل ساختند تا پایه و ستون ایمان ما باشد» (ایرنوس اسقف لیون در قرن دوم میلادی).

انجیل و مژده

واژه ی انجیل «evangelion» از یونانی می آید و از دو بخش «ev» به معنی خوب، خوش و «angelia» به معنی پیام، خبر، ساخته شده است.

۱- در زبان متداول یونانیان آن زمان، انجیل به معنی خبر خوش بود، مثلاً: تولد یک نوزاد یا پادشاه.

۲- در زبان مسیحیان اولیه، واژه ی انجیل، در درجه اول نشانگر خود عیسا، حضورش و پیامش است که به عنوان مژده از جانب خدادار نظر گرفته می شود، به همین معنی در عهد جدید نیز این واژه استفاده می شود. بعدها این واژه برای چهار کتاب کوچک که از عیسا سخن می گویند و مژده می دهند، استفاده شد. در این جا، منظور ما درباره این کتاب هاست.

۳- در کنار چهار انجیل رسمی، انجیل های دیگری هم وجود دارند که گاهی جعلی نامیده می شوند.

آن چه بعضی ها می گویند ...

* انجیل توسط روح القدس به عیسا مسیح دیکته شد همان طور که قرآن توسط جبرائیل دیکته شد.

* انجیل اول آمد سپس کلیسا شکل گرفت.

* انجیل های دیگری به غیر از چهار انجیل رسمی وجود داشته اند. این انجیل ها کجا هستند؟ چرا کنار گذاشته شده اند؟

* اگر چهار انجیل هست که در آن صحبت های مسیح تناقض دارد، پس انجیل حقیقی کدام است؟ کدام یک انجیل عیسا است؟

* چرا چهار انجیل وجود دارد؟ آیا یکی کافی نبود؟

آن چه مسیحیان می گویند ...

۱- پیامی یگانه

با توجه به گوناگونی این چهار انجیل رسمی، همه فقط یک مژده ی واحد را اعلام می نمایند: یعنی خود شخص عیسا که در میان ما با نیکی کردن زندگی کرد و روی صلیب کشته شد اما خدا او را برخیزاند و او را خداوند و مسیح کرد. او یکتا پسر محبوب خداست و خدا در او محبتش را به هر انسان آشکار می سازد. در او هر انسانی می تواند بخشش و نجات و زندگانی واقعی را دریابد. در او، مسیحیان توسط راز تعمید فرزندان خدا می گردند.

۲- چهار انجیل

در کتاب مقدس، چهار انجیل در ابتدای عهد جدید جای دارند. آن‌ها به متی، مرقس، لوقا و یوحنا نسبت داده شده است. متی و یوحنا از گروه دوازده رسولان عیسا بودند؛ مرقس، اهل اورشلیم و همکار بطروس بوده، لوقا پزشکی یونانی بوده که با پولس رسول همکاری می‌کرد. هر کدام از انجیل نگاران در خدمت جمعیت مسیحیان مشخص و در محیط‌های گوناگون دنیای مدیترانه بودند. متی، جهت مسیحیانی که یهودی تبار بودند، انجیل خود را نوشته، و اغلب یادآوری می‌کند که عیسا نبوت‌های پیامبران اسرائیل را به اتمام رسانده است. مرقس، در شهر روم برای مسیحیان جفادیده می‌نویسد و از آنان دعوت می‌کند که به هر قیمت شده از عیسا پیروی کنند. لوقا، بر پیام بخشش که به تمام انسان‌ها اعلام شده تأکید می‌کند. او هم چنین، شروع زندگی عیسا را نیز معرفی می‌کند. و بالاخره یوحنا، سخنان عیسا را نوشته و درباره‌ی آن چه بر استادش گذشت تعمق می‌کند، یعنی انسان‌ها او را نپذیرفتند با این‌که او نور و زندگی حقیقی این دنیا می‌باشد.

در انجیل هیچ وقت ذکر نشده که عیسا مسیح بعد از رستاخیزش به مادرش ظاهر شده باشد، چرا؟ آیا به خاطر این که مریم به عنوان شاگرد کامل «که از پیش پر از روح القدس بوده و در دل خود متفکر شده و همه چیز را در دلش نگاه می‌داشت» (لوقا ۱۹:۲) .

سه انجیل اول به انجیل «نظیر» معروف می‌باشند، چون مطالب مشترک زیادی دارند، بنابراین می‌توان آن‌ها را به موازات، در سه ستون مقابل یک دیگر نوشت و در یک دید، سه متن را با هم داشت که بدین ترتیب، می‌توان مشابهنه‌ها و اختلافات آن‌ها را درک کرد.

خوشبختانه ما چهار انجیل داریم، نه فقط یکی و این خود آموزشی را دربردارد: که با نور روح القدس مژده و پیام عیسا به واسطه‌ی انسان‌ها و اجتماعات مختلف دریافت، تجربه و ابلاغ شده است. بنابراین، طبیعی است که شهادت‌های آنان در شکل خود اختلاف داشته باشد همان‌طور که در چهار انجیل این گوناگونی قابل مشاهده می‌باشد. لیکن در عمل یک حقیقت را بیان کرده و یک دیگر را تکمیل می‌کنند و در تنوع چهار انجیل، مسیحیان نشانه‌ای از صحت و حقیقت مژده را در می‌یابند.

۳- چهار انجیل در يك کلیسا

ما بین مأموریت عیسا و نگارش آخرین انجیل سی‌الی شصت سال زمان طی شده است. در طی این زمان، مسیحیان سنت‌ها و روایاتی را که از شاگردان عیسا شنیده بودند، شفاهاً منتقل می‌کردند یعنی زندگی، مرگ و رستاخیز عیسا و هم چنین سخنان و اعمال و معجزات او را. این وقفه، حجابی نیست که ارزش و صحت چهار انجیل را کم کند، بلکه این مدت کار روح القدس در اولین جماعت‌های مسیحی است تا پیام عیسا را بهتر و عمیق‌تر درک نموده و روح القدس آن‌ها را به حقیقت کامل برساند (یوحنا ۱۴:۲۶). بنابراین، امروز وقتی انجیل را مطالعه می‌کنیم در واقع سخن کلیسای اولیه را می‌شنویم که درباره‌ی عیسا و درباره‌ی صمیمیت او که در میان‌شان زنده است سخن می‌گوید.

۴- انجیل، ترجمه‌ی مژده‌ی عیسا می‌باشند

اولین اجتماعات که به آرامی سخن می‌گفتند، رفته رفته محو شدند و با یگانگی‌های آنها از بین رفت. پیام عیسا مختص به ملت او و زبان او نیست، بلکه به همه‌ی ملت‌ها و تمام فرهنگ‌ها مربوط می‌شود. معمولاً ما ترجمه‌ی انجیل را به یکی از زبان‌های امروزی می‌خوانیم ولی قدیمترین متنی که در دسترس داریم به یونانی بوده و خود یک ترجمه است. در واقع، عیسا به زبان ملت خود، آرامی فلسطینی سخن می‌گفت. و به همین زبان نیز مسیحیان اولیه در فلسطین، گفتار و کردار عیسا را نوشته‌اند، سپس در پرتو نور روح القدس پیام مسیح به

افرادی که به زبان یونانی تکلم می کردند منتقل شد. برای آن ها انجیل به یونانی نوشته شد تا هر کس بتواند پیام و مژده ی نجات خداوند را به زبانی روشن، یعنی زبان خودش بشنود.

البته روح القدس امروز نیز در قلب همه ی انسان ها کار می کند. بنابراین، همه ی ملت ها باید بتوانند کتاب مقدس را به زبان و تمدن خودشان بخوانند و بفهمند و تعمق خودشان را به کلیسا تقدیم کرده و همراه با همه ی ایمانداران امت های مختلف توسط روح القدس به حقیقت کامل برسند (یوحنا ۱۶: ۱۳). هم چون مجوسیان که از ایران آمده هدایای خود را به مسیح تقدیم کردند (متی ۲: ۱-۱۳). امت ها نیز باید ارزش های خاص تعمق تمدن خودشان را به کلیسا تقدیم کنند. بنابراین کلیسا نه تنها باید چیزی به امت ها بدهد بلکه چیزی نیز باید از آنها بپذیرد.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

۱- به عمل در آوردن

اناجیل، تنها برای شناساندن زمان قدیم نوشته نشده اند: «لیکن این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسا همان مسیح، پسر خداست و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید» (یوحنا ۲۰: ۳۱).

بنابراین، مسیحیان باید قدرت حیات بخش اناجیل و حقیقت آن ها را در زندگی خود بر پا کرده از آن تجربه داشته باشند.

عیسا فرمود: «هر کس خواست خدا را به جا می آورد او برادر من و خواهر من و مادر من است» (مرقس ۳: ۳۵).

بدین ترتیب، هر مسیحی، هر روزه، توسط فیض تولد نوین که در راز تعمید یافته باید اجازه دهد افکارش، خواسته ها و اعمالش، به واسطه ی کلام عیسا متحول شود و طبق رفتار و سخن عیسا عمل کند که این عمل را تحول و دگرگونی قلب می نامند.

۲- نیایش و تعمق

در کلیساها برای نیایش مخصوصاً در برگزاری آیین یکشنبه، انجیل قرائت و اعلام می شود: در پایان قرائت، خواننده ی کلام می گوید: «کلام خدا را تحسین کنیم» و اجتماع جواب می دهند: «سپاس بر تو باد، خداوند عیسا». بدین ترتیب، مسیحیان شهادت می دهند که برای آن ها کلام خدا قبل از هر چیز، مسیح است. خارج از کلیسا، آن ها مجدداً درباره قرائت ها تعمق نموده تا قلب و فکرشان را از تعالیم و رفتار عیسی سرشار کرده، زندگی خود را عمیقاً دگرگون سازند. بسیاری از مسیحیان دوست دارند زمانی طولانی را هر روز به خواندن متون اناجیل بگذرانند. آن ها با این رفتار، اتحاد اجتماع مسیحی را محکم می سازند.

۳- مطالعه ی مژده

متخصصان تمام زندگی شان را وقف مطالعه ی متون مقدس می کنند تا نوشته های مقدس و زبان های اناجیل را بررسی کنند. نتیجه کار آن ها به مسیحیان اجازه می دهد تا به نوبه ی خود، تنها یا در گروه، این متون را با اطلاعات کافی مطالعه کرده تا عمیق تر پیام عیسا را درک کنند.

۴- اعلام و انتقال مژده

برای مسیحی ای که تحت تأثیر بشارت اناجیل قرار می گیرد، مهم است که به تمام انسان ها بشناساند که محبوب خدا هستند. همان طور که عیسی آن را مکتشف کرده است. این عمل را ترویج یا اعلام مژده می گویند. بعضی ها احساس می کنند که دعوت شده اند تا همه زندگیشان را در این راه وقف کنند.

نیایش

(ای عیسیای مسیح، ای خداوند و خدای ما، تو به شاگردان و رسولان خود فرموده‌ای: «بسیار پیامبران و عادلان آن چیزی را که می بینند میل داشتند ببینند ولی آن را ندیدند اما خوشا به دیدگان شما که آن را می بینید و خوشا به گوش های شما که آن را می شنوند». ما را سزاوار آن بساز تا مژده مقدس انجیل را شنیده و آن را در زندگی خود برپا کنیم). (آیین عشای ربانی مسیحیان قبطی در مصر).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

- * زندگی عیسا نجات دهنده ی ما: ضمیمه ی ارزش های تاریخی اناجیل چهارگانه.
- * چگونه عهد جدید را بخوانیم؟
- * مباحث مقدماتی برای مطالعه ی کتاب مقدس.
- * پاسخ به ۱۰۱ سؤال درباره ی کتاب مقدس.
- * انجیل متی (مرقس، لوقا، یوحنا) چه می گوید؟

چگونه، ارجاعات در کتاب مقدس را درک کنیم:

۱. اول، اسم کتاب به صورت مخفف در داخل جلد کتاب نوشته شده.

۲. شماره ی باب و دو نقطه

۳. شماره ی آیه

یک خط تیره (-) مابین دو عدد نشانگر آن است که باید باب ها یا آیه ها مابین عدد اول و دوم، خوانده شود؛ مثلاً " یو

۱:۱ - ۱۳:۲ بدین معنی که از باب ۱ آیه ۱ تا باب ۲ آیه ۱۳ خوانده شود.

راز تن یافت



«در ابتدا سخن بود [...] و سخن تن گردید و میان ما ساکن شد...» (یوحنا ۱: ۱۴).

آن چه بعضی ها می گویند...

* مسیحیان به تأکید می گویند که خدا خود را انسان کرد و عیسا شد.

چطور ممکن است؟ این مغایر با عظمت خداست.

چطور خدا می تواند انسان بشود و هم چنان خدا بماند؟

* مسیحیان می گویند که عیسا واقعاً انسان و واقعاً خداست.

انسانی که خدا می شود هرگز دیده نشده است!

* مسیحیان می گویند که عیسا پسر خداست.

ولی خدا نمی تواند پسر داشته باشد. او نه می زاید و

نه زاییده شده است.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- مردی تاریخی

عیسا در فلسطین به دنیا آمد، در اطراف بیت اللحم، بیش از دوهزار سال پیش، در زمان سلطنت اوگوستس قيصر. در آن زمان فلسطین منطقه ای تحت سلطه ی رومی ها بود. زندگی این مرد اسرارآمیز آن قدر مهم بود که اکثریت ملت های غربی، به زودی، تاریخ فرضی تولد او را به عنوان مبدایی برای تعیین و ثبت وقایع تاریخی، انتخاب کردند.

۲- گفته های کتاب مقدس

چندین قرن قبل از تولد مسیح، کتب عهد قدیم، آمدن یک مسیح (کریستوس) یعنی فرستاده ای از جانب خدا را اعلام می کردند. بعضی نبوت ها چنین می رسانند که با مسیح، خود خداست که می آید تا عدالت و آرامش را بر روی زمین مستقر کند: «... خداوند چنین می گوید: هان، من خودم گوسفندان خویش را طلبیده، آنها را تفقد خواهم نمود» (حزقیال ۳۴: ۱۱). «... نام او را عمانوئیل (خدا با ما) خواهد خواند» (اشعیا ۷: ۱۴؛ صفتیا ۳: ۱۴).

واژه ی **incarnation** (تن یافت) که از لاتین می آید، به معنی در تن وارد شدن است. این لغت در مورد عیسا استفاده می شود، بدین معنی که او خدا و انسان است یعنی خدا بشریت ما را به عهده گرفته و انسان شد. مسیحیان از راز تن یافت سخن می گویند: در این جا راز، اشاره به یک حقیقت الهی است که بالاتر از درک انسان است. البته این راز با هر نوع افسانه درباره ی ظهور خدا یا وجود مرئی و موقتی خدا به صورت انسان که در ادیان مختلف اغلب دیده می شود تضاد دارد. خدا این راز را، به آرامی آشکار می سازد. هر چه بیشتر آن را بشناسیم، بیشتر از آن حیات می گیریم. و هر چه بیشتر از آن حیات بگیریم، بیشتر آن را می شناسیم! هم چنین می توان گفت: هر چه بیشتر آن را بشناسیم، بیشتر با او صمیمی می شویم و هر چه بیشتر صمیمی شویم، بیشتر می خواهیم او را بشناسیم!

به استناد اناجیل، عیسا از نزد خدا آمده و حقیقتاً از خدا متولد شده است. او پسر خداست که انسانیت ما را به عهده گرفته است: «... فرشته‌ی خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شده، گفت: ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آن چه در وی قرار گرفته است، از روح القدس است» (متی ۱: ۲۰-۲۱؛ ر. ک لوقا ۱: ۲۶-۳۵).

مریم باکره، یکتا پسرش را در آخری به دنیا آورد که نامش را یسوع «به معنی یهوه نجات می دهد» گذاشت. طبق انجیل متی باب دو، از مشرق زمین مجوسیان ایرانی از طرف خداوند با نور عجیبی دعوت شده نزد مسیح شتاب کرده او را سجده کردند (زمانی که یهودیان عکس‌العملی نشان ندادند) و از ثروت امت‌ها هدایایی گران بها به او تقدیم کردند طبق نبوت اشعیا ۵: ۶۰ که می گوید: «آن گاه خواهی دید و خواهی درخشید و دل تزلزلان شده، وسیع خواهد گردید، زیرا که توانگری دریا به سوی تو گردانیده خواهد شد و دولت امت‌ها نزد تو خواهد آمد.»

متی که برای یهودیان انجیل خود را نوشت آیا در این روایت مجوسیان، از قبل، آخرین گفتار مسیح را تعمق کرده که فرمود: «پس رفته همه‌ی امت‌ها را شاگرد سازید...» (متی ۲۸: ۱۹).

پس مجوسیان نوبر همه‌ی امت‌ها بی هستند که از این پس آمده و امروز نیز انبوه مردم می آیند. چون در دلشان نوری روشن شده که به سوی مسیح می شتابند و خودشان را به او تقدیم می کنند. اناجیل هم چنین می گویند که عیسا زندگی انسانی بسیار معمولی داشت. او کار کرد و با شاگردانش خورد و نوشید. او حقیقتاً انسان بود. در سن سی سالگی، دهکده‌ی خود یعنی ناصره را و کارگاه چوب بری خود را رها کرد تا به وسیله‌ی یحیی در رود اردن تعمید یابد: «اما عیسا چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می آید. آن گاه خطابی از آسمان در رسید که این است پسر حبیب من که از او شنوادم» (متی ۳: ۱۷). عیسا به واسطه‌ی اعمال و گفتارش، زندگی و به خصوص برخاستنش در روز عید گذر، آشکار می سازد که خدای حاضر در میان انسان هاست. در تمام شهادت رسولان و هم چنین در هر صفحه‌ی انجیل، همیشه می بینیم که در عیسا، خدا در میان قوم خویش عمل می کند. شاگردانش آن را تجربه می کنند و انجیل نویسان بر آن راز تعمق کرده و ابراز می کنند. عیسا فرمود: «من پدر را می شناسم زیرا که از او هستم و او مرا فرستاده است» (یوحنا ۷: ۲۹).

۳- تعمقی طولانی

مسیحیان سه قرن اول، با مذهب رومیان و خدایانش مخالف هستند، آنها به قیمت جانشان اعلام می کنند که تنها یک خدای واحد، اعلا وعلین، وجود دارد و عیسا در صمیمیت کامل با خدا، پدرش زندگی می کند. به راهنمایی روح القدس، می گویند: «اما خدا [...] در این زمان‌های آخر به واسطه‌ی پسر خود با ما سخن گفت پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطه‌ی او جهان را آفرید» (عبرانیان ۱: ۲). از سال ۳۱۳، صلح با حاکمان رومی برقرار می شود اما در امپراتوری پارت که با روم می جنگید حکومت ساسانیان به شدت به مسیحیان جفا می رساند. در زمان شوراها‌ی رسمی (شورای اسقفان در نیقیه و در کالسدون در سال ۴۵۱)، اسقفان ایمان مسیحی خود را ابراز می کنند بدین مضمون که: عیسا حقیقتاً خدا و حقیقتاً انسان است. آنها سعی کرده اند، حقیقت عیسا را به زبان انسانی بازگو نمایند. این حقیقت یک راز بزرگ است، تن یافتن، که همواره ماورای عقل بشری است.

۴- یک زندگی تحول یافته

در عیسا، خدای قادر مطلق، برای همیشه خود را با انسان هاصمیمی می کند که انسان بتواند با او مشارکت داشته باشد؛ دیگر ترس و اضطراب در مقابل این خدایی که تنهاست و فقط داوری می کند وجود ندارد بلکه محبت است (ر.ک فیش ۱/۱). هر انسانی از این پس متبرک است چون برادر عیسا و عضو خانواده اوست. همه ی ملت ها دعوت شده اند و تمام زمین ها متبرک شده اند. همه در عیسا ی مسیح برابرند: «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مردو نه زن، زیرا که همه ی شما در مسیح عیسا یک می باشید» (غلاطیان ۳:۲۸). با وجود این، خدا، و انسان انسان می ماند. آفریده ی آزاد در مقابل آفریننده.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

۱- آنها عید میلا، روز تولد عیسا، روز ۲۵ دسامبر (در شرق ۶ ژانویه) را جشن می گیرند. این عید از قرن چهارم متداول است. از تاریخی که کلیسا، جشن رومی «خورشید شکست نیافته» را با جشن عیسا که خورشید حقیقی تمام بشریت است، جانشین کرده اند. مسیحیان این جشن را، نه به مناسبت یک خاطره بلکه به خاطر حضور «عمانوئیل یعنی خدا با ما» برگزار می کنند.

۲- آنها تعمید می گیرند یعنی در راز پدر و پسر و روح القدس فرو برده می شوند. پس راز تن گیری در آنها تداوم می یابد. با وارد شدن به عهد عیسا، پسر یگانه و محبوب پدر، آنها فرزندان خدا می شوند (۱ یوحنا ۳:۱). این عمل آنها را مسئول می کند و تمام هستی آنها را متحول می سازد.

۳- به واسطه ی ایمان، آنها در یک صمیمیت خاص با عیسا، که هم انسان و هم خداست زندگی می کنند. آنها سعی می کنند، در این نوع جدید زندگی که پولس قدیس به خوبی بیان می کند، وارد شوند: «ولی زندگی می کنم، لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند» (غلاطیان ۲:۲۰). بدین ترتیب، متحد با مسیح، آنها عمل و دعا را فراموش نمی کنند، زیرا عمل و دعا مکمل یک دیگرند و ثمر می دهند.

به دنبال عیسا، آنها اعمال محبت آمیز او، به خصوص خدمت به فقیران و طرد شدگان را ادامه می دهند. عیسا گفته است: «آن چه به یکی از این برادران کوچکترین من کردید، به من کرده اید» (متی ۲۵:۴۰). تنوع حضور و خدمت و مسئولیت پذیری مسیحیان در دنیا، بسیار است مانند پاپ ژان پل دوم و مادر ترزا در عصر حاضر. این برای وفاداری مسیحیان به راز تن یافتن الزامی است.

بالاخره، مسیحیان باید چشم دلشان را بگشایند تا روح مسیح را، در زندگی روزمره دنیا باز شناسند و به سبب تمام عجایبی که به واسطه ی عیسا یکتا پسر صورت می گیرد شادمان شوند و خدای پدر را سپاس گویند و بسرایند: قدوس، قدوس، قدوس...».

کلام کتاب مقدس

«اما ولادت عیسا ی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آن که با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند. و شوهرش یوسف چون که مرد صالح بود و نخواست او را عبرت نماید، پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. اما چون او در این چیزها تفکر می کرد، ناگاه فرشته ی خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: «ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آن چه در وی قرار گرفته است، از

روح القدس است. و او پسری خواهد زایید که نام او را عیسا خواهی نهاد، زیرا که او قوم خویش را از گناهانشان خواهد رها نمود.» و این همه واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد که «اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و او را عمانوییل خواهند نامید» که به معنی «خدا با ما» است.» (مت ۱: ۱۸-۲۳).

تولد عیسی آغاز آفرینش نوین

۱- خدا چه عظیم اند رازهای محبت تو!
نخست با آفرینش دنیا، راز محبتت را آشکار کردی
محبتی که آدم و حوا به آن وفادار نماندند
اما تو مسر رازهای محبت خود را احیا کرده،
از عوامل گناه استفاده نموده
تا وسیله نجات ما گردند.
...

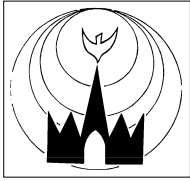
۲- توسط حوا، نخستین آدم از احکام تو سرپیچی کرد
اما توسط باکره معصوم، آدم دوم عیسی
انسان را از تباهی احیا نمود
مجوسیان در تأکید خطای خود به پرستش ستارگان پرداختند
اما توسط ستاره ای، حقیقت خود را به آنان آموختی
پیکر فانی انسان را به عهده گرفته، در دنیای ما ظهور کردی
و طیب درد و رنج انسان شده،
بشر را از گریبان مخوف مرگ رهانیدی
خداوندا، چه عظیم اند رازهای محبت تو!
...

(از کلیسای آشوری کلدانی سرود دومین شب یکشنبه میلاد)

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

- * رجوع شود به برگه ی سری اول، به شماره ۵ «عیسا کیست؟»
- * انجیل لوقا چه می گوید؟
- * مریم مادر عیسا طبق انجیل.

روح القدس



« من به روح القدس که خداوند است و حیات می بخشد ایمان دارم »
(قانون نیقیه).

« همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم »
(رومیان ۸: ۱۶).

آن چه بعضی ها می گویند...

آمدن پاراکلتوس که مسیح اعلام کرد درباره ی روح القدس نبود بلکه درباره ی پیامبری دیگر.
روح وجود ندارد. غیر از ماده هیچ چیز نیست.

روح از واژه ای مشتق شده که دم، تنفس معنی می دهد. وقتی نفس نمی کشیم، مرده ایم.
از ابتدا، انسان، آن چه که باعث زندگی او است را روح می نامد. آن چه بیش از هر چیز، خود اوست و نمی توان بر آن تسلط یافت، آن چه اساسی ولی دست نیافتنی است.
در کتاب مقدس، روح خدا به معنای زندگی خدا،

* در مقابل نیروهای طبیعت یا قدرت های ناشناخته ای که ظهور می کنند، انسان ها می ترسند. بسیاری فکر می کنند که در ورای این نیروها، ارواحی هستند که باید آنها را پرستید.
* ارواح، قدرتمند و خطرناک هستند. باید سعی کنیم به نفع ما جلب شوند.

* ارواح مرده ها در اطراف ما می باشند.
ارواح، شاید وجود داشته باشند ولی راجع به آنها همه چیزی گفته می شود.

باید به هر چیزی که غیر منطقی است به دیده ی شک نگریست.

* آمدن پاراکلتوس که مسیح اعلام کرد درباره ی روح القدس نبود بلکه درباره ی پیامبر دیگری است.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- امروزه، بسیاری از مردم به وجود مخلوقاتی نامرئی اعتقاد دارند که به آنها ارواح می گویند. وقتی مسیحیان از روح القدس سخن می گویند، منظور خدا (و نه یک مخلوق) یا حضور او یا قدرت او و یا محبت اوست. این جا در عمق راز خدا و مکاشفه ی مسیحی هستیم.

۲- در عهد قدیم، روایت شده که خدا به واسطه ی نفس یا روح خود، زندگی را آفریده و «روی زمین را تازه می گرداند» (مزمور ۱۰۴: ۳۰). این روح به پیامبران شهادت می دهد تا به نام خدا سخن بگویند. روح، انسان را به حرکت درمی آورد و متحول می کند تا قادر شود اعمال شگفت انجام دهد. او را خادم و شریک خدا می سازد. این «روح حکمت و فهم و روح مشورت و اقتدار و روح معرفت و ترس خداوند» است که بر مسیح قرار خواهد

گرفت. (اشعیاء ۱۱:۲). هم چنین، این «روح جدید است که قلب سنگی را به قلب گوشتین تبدیل می کند» (حزقیال ۳۶:۲۶) و یک انسان گمشده را به یک انسان نجات یافته مبدل می کند. از سوی خدا می آید و ما را به سوی خدا می کشاند، این روح خدا، روح القدس است!

۳- در عهد جدید، روح القدس به صورت یک روح آفریننده و زاینده، تجلی می کند. با قدرت اوست که مریم عیسا را به دنیا آورد. جبرائیل فرشته به مریم می گوید: «روح القدس بر تو خواهد آمد [...]؛ و از آن جهت آن مولود، مقدس خواهد شد و پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا ۱:۳۵). و در تمام طول زندگی زمینی اش، عیسا پر از روح شده که او را رهبری می کند. قبل از صلیب به شاگردانش وعده می دهد: «رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم، پاراکلتوس یعنی مدافع نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، او را نزد شما می فرستم [...] چون او، یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد، زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آن چه شنیده است سخن خواهد گفت» (یوحنا ۱۶:۷-۱۳). و همین که از میان مردگان برخاست، در شب عید گذر، روح القدس را به شاگردانش می دهد: «بر آنان دمید و به ایشان گفت: روح القدس را بیابید» (یوحنا ۲۰:۲۲). این روح عیساست و هم چنین روح پدر می باشد که همواره با اوست و از جانب پدر است که عیسا را برخواست، او را نزد شاگردانش می فرستد (یوحنا ۱۵:۲۶).

۴- پنجاه روز بعد از عید رستاخیز (عید پنطیکاست) روح القدس که مسیح او را منتقل ساخته، با درخشندگی حضور خود را متجلی می کند و به شکل آتشی راز گونه، بر هر یک از رسولان که در دعا و اتحاد بودند، قرار می گیرد، تحت تأثیر او، رسولان شروع به اعلام کارهای شگفت خدای می کنند و هر شنونده ای، مطلب را به زبان خودش می شنود و می فهمد. بعد از این واقعه ی اساسی، رسولان می روند و مژده ی عیسا را تا دورترین نقاط جهان اعلام می کنند. در شادی روح، آنها به نوبه ی خود، نشانه هایی که عیسا در طول زندگیش انجام داده بود را انجام می دهند: یعنی رو در رو شدن شجاعانه با قدرتمندان این دنیا و تحمل بدترین دشمنی ها بدون از دست دادن شهامتشان، همه ی آنهایی که از آنها پیروی می کنند و مسیحی می شوند، تحت نیروی روح القدس، یک اجتماع ایمانی، نیایش و مشارکت را ایجاد می کنند که به زودی کلیسا نامیده می شود.

۵- از همان قرون اولیه کلیسا، مسیحیان درباره ی این روح که قدرت و نور درونی آنهاست، تعمق می کنند. در می یابند که او شخصی الهی است که پدر توسط عیسا رستاخیز شده فرستاده است و خود، خداست و زندگی الهی را به ایمانداران منتقل می سازد. اسقفان آن زمان، این راز را در چند جمله خلاصه می کنند که قانون ایمان خواهد شد: «روح القدس خداوند است و زندگی می بخشد از پدر و پسر صادر می شود. با پدر و پسر او همان ستایش و همان جلال را دریافت می کند (قانون نیقیه، قسطنطنیه ۳۸۱).

روح القدس، سومین شخص تثلیث اقدس، هم چنین سرچشمه و عمق زندگی مسیحی است و مثل یک نور امکان می دهد که دعوت عیسا و راهی که به سوی او می رود را تشخیص بدهیم. هم چنین روح القدس به عنوان مدافع مسیحیان، در قلبشان شهادت می دهد و قدرت می دهد که ایشان نیز بتوانند به عیسا برخاسته شهادت دهند. کلمه ی پاراکلتوس که عیسا استفاده کرده است از دو کلمه ی یونانی تشکیل شده **kaleo** که به معنی دعوت کردن، **para** که به معنی نزد و این کلمه در زمان عیسا به معنی وکیل مدافع به کار برده می شد. بدین معنی که چون ایمانداران به مسیح شهادت می دهند بعضی اوقات جفا به آنها می رسانند ولی روح القدس از ایمانداران در قلبشان دفاع می کند حتی در زمان جفا و تا سرحد مرگ خود (یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶؛ ۱۵:۲۶-۲۷؛ ۱۶:۷-۸) سعادت واقعی را می یابند.

۶- به واسطه ی روح است که آنها می توانند هر روز نیایش کنند. «همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم» و ما را مجاز می دارد او را «ابا» یعنی «ای پدر» ندا کنیم (رومیان ۸: ۱۵-۱۶).

۷- علاوه بر این، روح است که مسیحیان را می فرستد حتی اگر لازم باشد تا اقصای جهان، تا به انسان ها بیاموزند که خدا پدر آنهاست و عیسا همه را محبت می کند و نجات می دهد. این است مژده ی مسیح.

کلام کتاب مقدس

«چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید بلکه منتظر آن وعده ی پدر باشید که از من شنیده اید [...]». چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان [...].

و چون پنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند، که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت و زبانهای منقسم شده مثل زبانهای آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت و همه از روح القدس پر گشته، به زبان های مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند [...] . مردم یهود [...] چون این صدا بلند شد، گروهی فراهم شده، در حیرت افتادند، زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید. و همه مبهور و متعجب شده، به یک دیگر می گفتند: مگر همه اینها که حرف می زنند جلیلی نیستند ... این به کجا خواهد انجامید؟ [...].

پس پطرس با آن یازده برخاسته، آواز خود را بلند کرده، بدیشان گفت: «ای مردان یهود و جمع سکنه ی اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فرا گیرید، زیرا که اینها مست نیستند چنان که شما گمان می برید، زیرا که ساعت سوم از روز است، بلکه همان است که یوئیل نبی گفت که خدا می گوید، در ایام آخرچنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند [...] . ای مردان اسرائیل، این سخن را بشنوید: عیسا ی ناصری، مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت ... شما به دست گناهکاران بر صلیب کشیده، کشتید [...] پس همان عیسارا خدا برخیزانید و همه ی ما شاهد بر آن هستیم. پس چون به دست خدا بالا برده شد، روح القدس موعود را از پدر یافته این را که شما حال می بینید و می شنوید، ریخته است [...] زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه ی آنهایی که دوراند» (اعمال رسولان ۱، ۲).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

*روح القدس.

*در طلب روح القدس.

*آب زنده نشانه ای از روح القدس.

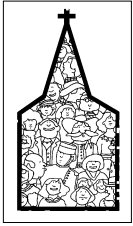
قانون ایمان

ما ایمان داریم به روح القدس که خداوند و بخشنده ی حیات است که از پدر (و پسر) صادر می شود .
و همان پرستش و ستایش که پدر و پسر دارند از آن وی است،
و به وسیله ی انبیا تکلم کرده است. (قانون ایمان رسولان).

ای روح آفریننده

ای روح آفریننده، اذهان ما را روشن نما
از فیض و لطف خویشتن، سرشار کن دل های ما
ای نام تو آرام جان، بخشایشی از آسمان
مهر و حیات از تو نشان، ای مرهم دل، آتشا
بخشنده نعمت توئی، دارنده رحمت توئی
سرچشمه حکمت توئی، پر مغز کن گفتار ما
نورت عطا فرما به ما، دل ها پر از مهتر نما
هر سستی و هر ضعفرا، با قوتت جمله زدا
دشمن بران یک سر ز ما، صلح و صفا فرما عطا
رهبر اگر باشی مرا، آسوده از شر و بلا
تا جمله عارف بر پرد، گردیم بر تو هم بر پسر
نورت ز دل هامان مبر، گردان یکایک پارسا
تمجید بر تثلیث باد، تردید بر وحدت مباد
خواهیم از روی و داد، روح القدس را دائما

کلیسا



«همه ی ایمانداران را یک دل و یک جان بود [...] در همه چیز با هم شریک بودند آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند»
(اعمال رسولان ۴: ۳۲؛ ۲: ۴۲)

آن چه بعضی ها می گویند...

* کلیسا، مثل مسجد ساختمانی جهت اجتماع ایمانداران می باشد.

* عیسا و کلامش، باشد! ولی کلیسا چه؟ کلیسا از راهی که عیسا مشخص کرده بود منحرف شده است.

* یک کلیسای واحد وجود ندارد، بلکه چندین کلیسا وجود دارد و مسیحیان تقسیم شده اند.

* کلیسا یک قدرت پولی و نیز یک قدرت سیاسی است، مخصوصاً در قرون وسطا و در زمان جنگهای صلیبی.

* باید اعتراف کرد که در بین اعضای کلیسا، اشخاص سخاوتمند و ثمربخش برای مبارزه با فقر و بی عدالتی وجود دارند.

* با مسیحیان می توان درباره ی مذهب بحث کرد. آنها می توانند بدون هیچ گونه تعصب، ایمانداران ادیان مختلف را درک نمایند.

آن چه مسیحیان می گویند...

- ما ایمان داریم ... به کلیسای واحد، مقدس، کاتولیک، رسولی

عیسا کلیسا را به عنوان قوم عهد جدید خواسته است. به این ترتیب، کلیسا ادامه ی قوم برگزیده است که موسی گرد آورده بود و بی وقفه به واسطه ی پیامبران به وفاداری یادآوری شده اند.

کلیسا واحد می باشد زیرا توسط روح القدس در عیسا مسیح جمع شده و به سوی پدر گام برمی دارند.

کلمه ی کلیسا از کلمه ی یونانی «ekklesia» می آید و به معنای «اجتماع کسانی است که دعوت شده اند».

برای مسیحیان، کلیسا چند معنی دارد:

- * کلیسا که اسم خاص است به معنای جماعت مسیحیان می باشد. یعنی همه ی کسانی که خود را از آن مسیح می دانند و تعمیم یافته اند.
- * کلیساهای (ارتدکس، کاتولیک، پروتستان...)
- گروه هایی مسیحی هستند که در طول تاریخ از هم جدا شده اند و درباره ی کلیسا دیدگاه های مختلفی ارائه می دهند.
- * در میان کاتولیک ها، اغلب از کلیسا برای نشان دادن حاکمیت رسمی آن سخن می گویند.
- * کلیسای جهانی متشکل از مشارکت کلیساهای محلی که هر کدام با تمدن خاص خود تطابق دارد.

۱- کلیسا، قوم شاگردان عیسی است. قوم مسیحیان

* **قومی خوانده شده:** مسیحیان، قبل از این که آزادی خود را گرو گذارند و با ایمانشان جواب بدهند، دعوت شدگان هستند. آنها صدای عیسا را شنیده اند که از جانب خدای پدر، از آنها دعوت کرده است: «مرا پیروی کنید، به دنبال من بیایید».

* **آنها دعوت شده اند که در برادری زندگی کنند:** عیسا برنامه ی زندگی شاگردان را به آنها عرضه می کند، این برنامه همیشه تنها در فرمان «محبت» خلاصه می شود: «یک دیگر را محبت نمایند هم چنان که شما را محبت نمودم» (یوحنا ۱۵:۱۲)، «جمیع شما برادرید» (متی ۲۳:۸). و تمام قهرمانان کلیسا، از آگوستین قدیس تا مادر ترزا، همین کلام را به روش خودشان گفته اند: «نانی که ذخیره می کنی، از آن انسان گرسنه است؛ تن پوشی که در صندوق می نهی، از آن انسان برهنه ای است» (بازیل قدیس - اسقف قرن چهارم). کلیسا نمی تواند تحمل کند که انسان تحقیر شود. و به همین دلیل، همیشه وظیفه ی خود دانسته که احتیاجات اساسی انسان ها را برآورده کند.

* **برای جلال خدا، پولس قدیس می گوید:** «چه زمانی که می نوشید و چه زمانی که می آشامید، هر کاری را برای جلال خدا بکنید» (۱-قرن ۱۰:۳۱). مسیحیان، حقیقتاً دعوت شده اند که بی وقفه مبارزه کنند تا دنیا را به دنیای برادری تبدیل کنند، تا آن را به قربانی پسندیده ی خدا تبدیل کنند. هدف هر مسیحی و تمامی کلیسا این است که به واسطه ی تمام زندگیشان، سپاس خدا را بگویند و به محبت او شهادت دهند.

* **کلیسا:** کاتولیک می باشد، در یونانی معنای کلمه ی **Katolon**، تحت اللفظی: طبق کل. به این معنی که کلیسا تمام راز خدا را دربر دارد و این راز را به همه ی انسان ها و همه ی ارزش های انسانی عرضه می دارد. عیسا کلیسا را به تمام امت ها و تمدن ها فرستاده تا مژده ی نجات در عیسا مسیح را اعلام نماید و به این وسیله همه ی ارزشهای ی این تمدن ها در مسیح به عهده گرفته شوند و تجلی یابند. (ر. ک فیش شماره ی ۱۰ از سری ۲: مأموریت کلیسا). البته این مأموریت اغلب بدون رنج و آزار انجام نمی شود، که از این راه مسیحیان در صلیب مسیح جهت نجات برادران خودشان سهیم گردند.

* کلیسای محلی گروه ایماندارانی می باشد که در مسیح جمع شده اند تا به راز او شهادت دهند و یک تمدن خاص این محل در او به عهده گرفته شود. بنابراین هر کلیسای محلی یک رنگ خاص در آیین مذهبی خود و در طرز بیان راز مسیح خواهد داشت که با تمدنی که به آن واگذار شده است مطابقت خواهد داشت. مشارکت این کلیساهای محلی مختلف که در اتحاد و مکمل هم دیگر زندگی می کنند کلیسای واحد کاتولیک را تشکیل می دهد.

* بنابراین، کلیسا همانند راز سه گانه ی اقدس هم واحد و هم گوناگون می باشد. کلیساهای مختلف محلی توسط عیسا و قدرت روح القدس با مشارکت یکدیگر و جریان زندگی مسیح راز کلیسای واحد کاتولیک را که در هر کدام از این کلیساها وجود دارد عملی و آشکار می سازند.

۲- کلیسا از روح القدس جوشان، و از دیدگاه انسانی يك نظام است

خدا بنیان گذار کلیسا است که خوددر عین حال مؤسسه انسانی می باشد و به راز انسان شدن پسر خدا ادامه می دهد. کلیسا در آن واحد هم از خداوند سرچشمه می گیرد، بنابراین، جوشش غیرمترقبه روح القدس است که هر جا می خواهد می وزد و نظام انسانی نمی تواند او را خفه کند، و هم مؤسسه انسانی مستدام و سازمان یافته ای است که باید به مأموریت خود تا روز آخر ادامه دهد پس کاروانی است که حرکت کرده ولی هنوز به هدف نرسیده است.

* **دارای مسؤلان:** اسقفان، که نشانه ای از حضور مسیح، یکتا شبان بزرگ در جماعت ایمانداران می باشند، یعنی جانشینان دوازده شاگردی که عیسا انتخاب کرده بود تا پایه ها و ستون های کلیسای او باشند؛ و در میان آنها، اسقف رم که پاپ نامیده می شود - «اولین در میان برابرها» - و مأموریت دارد که بقیه را در وحدت جمع کند. و

و نیز کشیشان و خادمان که وظیفه دارند، اسقفان را در مأموریتشان یاری کنند. هم چنین کشیشان و خادمان که وظیفه دارند اسقفشان را در کارش یاری کنند، بنابراین، کلیسا رسولی می باشد. وظیفه ی همه این ها، یک خدمت است.

- * رازها: برای کاتولیک ها، هفت راز اصلی وجود دارد که آنها را رازهای هفتگانه می نامند (ر. ک به برگه ۲/۵)
- که در بین آنها، تعمید و عشای ربانی مهمترین هستند.
- * اعتقادات: مهمترین آنها در قانون ایمان جمع شده که مسیحیان از ابتدا به یک دیگر منتقل می کنند.
- * دگرگون ساختن زندگی شخصی و اجتماعی تا از نزدیک به دنبال مسیح روند.

۳- کلیسا اجتماعی است که در آن، خدا عمل می کند.

پولس قدیس به قرن‌تیمان می گوید: «آیا نمی دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟» (اول قرن ۱۶:۳). کلیسا به واسطه ی روح القدس که قدرت و فرمان خدا می باشد و در آن مسکن گزیده و جان گرفته است. بنابراین بنای مسیح و آفرینش خدا می باشد. این روح، از درون هر یک از اعضایش عمل می کند تا همه را به یک قوم برادر و هم چنین یک قوم متبرک، یک قوم مقدس تبدیل کند: «شما قبیله ی برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد، هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایند» (۱- پطرس ۹:۲).

- * حتی کلیسا، به طور رازگونه ای، جسم مسیح خوانده شده: «اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید» (اول قرن ۱۲:۲۷). و این به هر کس ارزشی بینهایت می دهد چون حتی کوچکترین انسان، با انسان های دیگر برابر است و مستقیماً در زندگی اجتماع چون در زندگی خود عیسای مسیح شرکت دارد.
- * بالاخره، کلیسا غایت خود را در خود ندارد، کلیسا عروس مسیح و در انتظار برگشتن پرجلالش می باشد. پس به صورت کاروانی روی زمین در سفری زیارتی به سوی روز آخر، روز بازگشت مسیح در حرکت است. کلیسا وقتی به هدف خود می رسد که مسیح بازگشته و همه چیز را در حقیقت مستقر کند و همه چیز را به دست پدر بسپارد: «و بعد از این موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت» (مکاشفه ۴:۲۱) خدا همه چیز در همه کس خواهد بود.

کلیسا در دنیا

شادی ها و امیدها، غم ها و نگرانی های انسان های این زمان، خصوصاً فقیران و دردمندان، هم چنین شادی ها و امیدها، غم ها و نگرانی های شاگردان مسیح می باشند، و هیچ چیز واقعاً انسانی نیست که در ملک آن ها طنین نداشته باشد. اجتماع آن ها، در واقع، با انسان ها بنا شده که در مسیح جمع شده اند و به واسطه ی روح به ملکوت خدا هدایت می شوند و پیام نجات را که باید به همه عرضه کنند، با خود دارند. بنابراین، اجتماع مسیحیان حقیقتاً، خود را همدرد نوع بشر و تاریخش می داند (شورای واتیکان دوم).

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

- * به گونه های مختلف می توان جایگاه و مسئولیت خود را در کلیسا تشخیص داد. ولی هیچ تعمیدیافته ای نمی تواند خود را فقط مصرف کننده بی مسئولیت بداند.

بعضی‌ها بیشتر به عرفان تمایل دارند، به حضور خدا حساس‌ترند و به پرستش تمایل دارند: اینها مشارکت خود را با راز خدا بیشتر در سکوت و تعمق پیدا می‌کنند. بعضی دیگر، بیشتر به فعالیت‌های مختلف جهت شهادت دادن به عیسا یا خدمت به فقرا یا مبارزه جهت عدالت تمایل دارند اینها مشارکت خود را با راز خدا بیشتر در خدمت و محبت به هموعان پیدا می‌کنند.

و مسیحیانی را که خصوصاً به سبب سنت خانوادگی شان مسیحی هستند فراموش نمی‌کنیم...

* تاریخ کلیسا نیز در میان مسیحیان گوناگونی‌هایی به وجود آورده است. این گوناگونی، برخوردهایی را باعث شده‌اند که گاهی خشونت‌آمیز بوده و از این‌جا کلیساهای مختلف به وجود آمده است: ارتدکس، (بیزانس، سریانی، قبطی، شرق)، پروتستان، اسقفی، کاتولیک و...

بعد از یک دوره‌ی طولانی تنش، یا حداقل بی‌اطلاعی این کلیساهای از یکدیگر، در زمان ما، جنبشی برای نزدیک کردن و متحد کردن کلیساهای شکل‌گرفته، جنبش اتحاد کلیساهای. به این جهت شورای اتحاد کلیساهای در ژنو و نیز انجمن کلیساهای خاورمیانه در خدمت کلیساهای ما نقش مهمی را ایفا می‌کنند. قابل ذکر است که هفته دعا جهت اتحاد کلیساهای، برطبق دعای خداوند عیسا مسیح (یوحنا ۱۷)، از اهمیت بسزایی در همه‌ی کلیساهای برخوردار است.

* امروزه، همچنین یک جریان تفاهم متقابل و نزدیک مابین مذاهب بزرگ مثل اسلام، یهودیت، بودا، هندو و... و کلیساهای مسیحی وجود دارد. کلیسا هم جنگ مذهبی و هم درآمیختن مضمون و مطلب عقاید مذهبی را رد می‌کند.

کلام کتاب مقدس

« غریب و اجنبی نیستید، بلکه هموطن مقدسین هستید و از اهل خانه‌ی خدا... شما بدن مسیح هستید»
(افسیسیان ۲: ۱۹) و نوبری که کشورتان به خدا تقدیم کرده است (رومیان ۱۶: ۵؛ یعقوب ۱: ۱۸).

برای مطالعه‌ی عمیق‌تر:

کلیسا در سنت سریانی (گیورگیز پانیکر)
گامی به سوی اتحاد (بین کلیسای کاتولیک و ارتدکس شرق آشور)
شورای اسقفان کاتولیک آسیا
اسناد و مباحثی درباره کلیسای شرق
مسیح برای همه (نامه‌های پولس به رومیان و غلاطیان)
تاریخ مسیحیت در آسیا

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

کلیساهای اولیه
نخستین گامهای کلیسا
توسعه کلیسا: مسیحیان قرن چهارم
راز کلیسا (جان ر. شیتس)
تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان
خدای زنده بخش ۶ فصل ۷ و ۱۰

متن جهت تعمق گروهی: مرقس ۹: ۱۶-۲۰

مأموریت کلیسا



«عیسا به شاگردانش گفت: «چنان که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم». و چون این را گفت، دمید و به ایشان گفت: «روح القدس را بیابید» (یوحنا ۲۰:۲۱-۲۲).

مأموریت ارتباط دارد با خدایی که کسی یا کسانی را می فرستد. تقریباً تمام مذاهب مأموریتی هستند و تلاش می کنند تعداد اعضایشان را زیاد کنند. متأسفانه، این موضوع اغلب باعث جنگ شده است.

در این جا باید کلمات مختلف را تشخیص دهیم.

ماموریت: خدا اشخاصی را انتخاب می کند که او را عمیق تر شناخته و نور او را منعکس کنند.

رسول: کسی است که خودش را معرفی می کند به عنوان فرستاده شده از طرف خدا یا به عنوان نبی یا حکیم یا... و نشانه هایی یا معجزاتی می دهد که مردم به پیامش ایمان آورند.

بشارت: عمل کسی است که ایمان دارد از طرف خدا پیامی را به مردم باید بدهد.

شهادت: عمل کسی است که نه فقط با گفتار بلکه با رفتارش آن صمیمیت که خدا خواست به او بدهد نشان داده و نور او را پخش کند.

تبلیغ: عمل افراطی و غلط از طرف شخصی که از وسایل انسانی یا احتیاجات دنیوی دیگران استفاده می کند تا عقیده خود را منتقل ساخته و اشخاص را به سوی خود جذب کند.

ترویج: عمل کسانی است که کوشش می کنند با پخش کردن رایگان وسایل و یا حتی شستشوی مغزی یا با زور، اشخاصی را مجبور کنند تا تسلیم عقیده آنان شوند.

در نتیجه روشن است این دو نکته آخر بر ضد رفتار عیسا و رسولان و موافق با تعلیم کلیسا نیست. طبیعتاً این دو روش سرچشمه و باعث جنگ دینی می شود.

امروزه، مؤمنان و خصوصاً مسیحیان، بیشتر و بیشتر فکر می کنند که مأموریت باید به همراه احترام زیاد به مذاهب دیگر انجام شود.

آن چه بعضی ها می گویند...

* در هر دینی بشارت دادن خطرناک است چون آزادی مردم را محترم نمی شمارد. و این در قرن بیستم قابل قبول نیست.

* عیسا گفت: «فرستاده نشده ام، مگر به جهت گوسفندان گمشده ی خاندان اسرائیل» (متی ۱۵:۲۴).

پس چرا کلیسا سعی می کند در تمام کشورها مستقر شود؟

* تاکتیک یا شیوه ی تدبیر کلیسا است تا از مذهب های دیگر، مؤمنانشان را بگیرد و تسلط خود را تحکیم کند.

* مأموریت کلیسا در رابطه با استعمار است و باید با استعمار از بین برود.

* مبشرین اینارگر هستند و به همه ی کسانی که مشکل دارند، کمک می کنند.

روز ۲۷ اکتبر سال ۱۹۸۶، در شهر آسینز ایتالیا، پاپ ژان - پل دوم، ۱۳۰ تن از مسئولان تمام مذاهب جهان را دعوت کرد تا گردهم آیند و برای صلح نیایش کنند و روزه بگیرند. پاپ گفت: «گفتگو با مذاهب دیگر، برای کلیسا اساسی است».

آن چه مسیحیان می گویند ...

۱- مأموریت، جزئی از زندگی مسیحی است.

کسی که عشق و محبت دارد، نمی تواند ساکت بماند. کسی که ایمان دارد، نمی تواند ایمانش را پنهان کند؛ از آن متحول می شود و با آن می درخشد و گویا جذب می شود به خدا که زندگی اوست شهادت دهد. پولس می گوید: «هر گاه بشارت دهم، مرا فخر نیست چون که مرا ضرورت افتاده است» (اول قرنتیان ۹: ۱۶). شاگردان به کسانی که آن ها را از سخن گفتن درباره ی عیسا منع می کنند، می گویند: «ما را امکان آن نیست که آن چه دیده و شنیده ایم، نگوییم» (اعمال ۴: ۲۰).

۲- مأموریت بشارتی است که در خدا منشاء دارد.

همان طور که آتش خود به خود نور و گرمایش را منتشر می کند، خدا نیز چون محبت است به هر که می خواهد او را بپذیرد، متجلی می شود.

* در عهد عتیق، خدا خود را به قومی در طول تجربیات تاریخی می شناساند و با او عهد می بندد. ولی به واسطه ی این قوم، همه را مخاطب قرار می دهد تا در زندگی او سهیم شوند.

* در عهد جدید، عیسا خود را فرستاده ی خدا، که او را پدر می نامد، معرفی می کند: «پدر من هنوز کار می کند، من نیز کار می کنم [...]». پسر از خود کاری نمی تواند کرد [...]، زیرا در پی انجام خواست خود نیستم، بلکه انجام خواست فرستنده ی خود را خواهانم.» (یوحنا ۵: ۱۷-۳۰).

* این مأموریتی است که عیسا به شاگردانش می سپارد: «همان گونه که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم» (یوحنا ۲۰: ۲۱).

از این پس، به واسطه آن هاست که در طول قرن ها و در هر یک از قاره ها، عیسا، کار نجات خود را ادامه می دهد. مأموریت هر مسیحی، مأموریت عیسا را تداوم می بخشد. و به واسطه ی روح القدس است که آن را اجرا می کند: «چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم [...] تا اقصای جهان» (اعمال ۱: ۸).

روح القدس، بدین ترتیب، استاد درونی و عامل اصلی مأموریت کلیسا است.

۳- مأموریت وظیفه ی اصلی کلیسا است.

* عیسا به یازده شاگرد، مسئولان آینده ی کلیسا مأموریت می دهد: «پس رفته همه ی امت ها را شاگرد سازید» (متی ۲۸: ۱۹). کلیسا، کاری به جز انجام دادن این مأموریت ندارد.

* پیروی از عیسا، اولین وظیفه ی کلیسا، تقسیم شادی ها و رنج ها و نگرانی ها و امیدهای انسان های معاصرش است. هر مسیحی باید راه خود را پیدا کند که با عطایای خاص روح القدس و در محیط زندگی خود بتواند در برادر بودن و همدرد بودن، در مبارزه کردن جهت عدالت و صلح گام بردارد، و بدین طریق به این که خدایم می کند، شهادت دهد.

* دومین وظیفه ی کلیسا، اعلام کلام است یعنی بیان این که همه ی فوران های زندگی، از رستاخیز مسیح سرچشمه می گیرند، یعنی آن اتفاق واحد که تمام معنای تاریخ را عوض کرده است، مأموریت در این شهادت خلاصه می شود که عیسا ناصری بر روی صلیب کشته شد و خدا، صبح عید گذر، او را برخیزانید. او زنده است، «هر روزه تا انقضای عالم، همراه ما می باشد» (متی ۲۸: ۲۰). پس این مژده را باید به همه اعلام کرد تا همه بتوانند در مسیح تولد نوینی یافته و در او تجلی یابند.

* وظیفه ی سوم کلیسا، تشکر از خداست، برای موهبت زندگی نوینی که از رستاخیز مسیح شروع شده است. تشکر برای

امید که به همه عرضه شده است و برای آرامش بی جهانگیر که در راه است. هر مسیحی باید این ستایش را به خدا عرضه کند. «بدن های خود را قربانی زنده مقدس و پسندیده خدا بگذارید که عبادت روحانی شماست.» (رومیان ۱۲:۱)

۴. مأموریت مربوط به همه ی انسان هاست.

حق هر کس است که این بشارت را بشنود چون برای تمام بشریت است که خدا، این زندگی نوین را عرضه می کند. «زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آن هایی که دورانند، یعنی هر که خداوند خدای ما، او را بخواند» (اعمال ۲:۳۹).

به همین دلیل، مژده ی عیسا باید به همه و به خصوص به بیچارگان اعلام شود چون این حق همه است و مسیحیان نیز حق و وظیفه دارند به انجیل شهادت دهند.

برای این که این مأموریت جهانی امکان پذیر شود هر کلیسای محلی وظیفه دارد که رفتار و نیایش و سنت خود را با تمدنی که به او واگذار شده است منطبق سازد. البته این کار در صمیمیت و مشارکت با کلیساهای محلی دیگر باید انجام شود.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

۱- آنها در زندگی انسان ها مشارکت کنند.

بیش از بیست قرن پیش، مسیحیان دعوت شده اند تا در زندگی روزمره خود به آن هایی که احتیاج به محبت و حمایت دارند، مشارکت کنند. در هر دوران، ابتکارات جدیدی پیدا می شود.

* آن ها در تمام کشورها به مبتلایان جذام، ایدز، زندانیان، بی خانمان ها، درماندگان و جوانان درمانده، رسیدگی می کنند.

* آن ها در نهضت هایی برای پیشرفت و آزادی انسان، جهت عدالت و صلح شرکت می کنند و برضد گرسنگی، بی سواد و جنگ در تمام شکل ها مبارزه می کنند.

* بدین ترتیب، آن ها شاهدان خدای محبت هستند.

۲- آن ها مژده ی نجات عیسا را اعلام می کنند.

بدین جهت، مسیحیان از کلام، نوشته و هر وسیله ی ارتباطی ممکن استفاده می کنند. از قرن ها پیش، برخی از مسیحیان، مرد یا زن، کشیش، راهب یا تعمیر یافته، برای مدتی یا برای همه ی عمر، در موسسه ها و اجتماعات، برای مأموریت کلیسا متعهد می شوند. بدین ترتیب، اجتماعات جدید مسیحی، در تمام دنیا شکل می گیرند. آن ها می خواهند، مژده ی نجات را در زبان و فرهنگ هر کس، اعلام کنند و با احترام گذاشتن به مذاهب دیگر، این عمل را انجام دهند.

۳- آن ها نیایش می کنند

برای اعلام مژده ی نجات باید دعا کرد و از روح القدس که «الهام بخش قطعی هر نوع تلاش برای اعلام مژده ی نجات است» (پاپ پل ششم)، کمک خواست. نیایش چنان لازم و پیوسته به مأموریت است که یک راهبه ی جوان به نام ترزا اهل لیزیو که در سن ۲۴ سالگی، در دیرش وفات یافت، کلیسا او را حامی مأموریت خود نامید. همه ی مسیحیان باید مأموریت نیایش پرشور به نفع دنیا را انجام دهند.

بعضی از راهبان یا راهبه ها تمام زندگی شان را در دیر در سکوت و روزه برای همه به خصوص پذیرفتن تشنگان در روح سپاسگزاری، تعمق و استغاثه می کنند.

تعلیم رسمی کلیسا

نامه‌ی پاپ ژان پل دوم، درباره‌ی مأموریت کلیسا

«ما باید در خود، شوق رسولانه‌ی ابلاغ نور و شادی ایمان به دیگران را حفظ کنیم و باید این آرمان را به تمام قوم خدا آموزش دهیم. ما نمی‌توانیم روحی آرام داشته باشیم و فکر کنیم که میلیون‌ها برادر و خواهر ما که آن‌ها نیز با خون مسیح باز خرید شده‌اند، در غفلت نسبت به محبت خدا زندگی می‌کنند. برای هر مسیحی فرداً، و هم چنین برای کلیسا، انگیزه مأموریت باید در اولین هدف باشد، چون به سرنوشت ابدی انسان‌ها مربوط می‌شود و به نقشه رازگونه و رحمانی خدا پاسخ می‌دهد».

شاهد مسیحی، «برادر جهانی» است. او با خود، روح کلیسا را، گشاده‌بودنش را و توجهش به همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی انسان‌ها را، به خصوص کوچکترها و فقیرترها را حمل می‌کند. با این عنوان، او از ورای مرزها، انقسامات و تبعیض‌ها به خاطر نژادها و اختلافات طبقاتی و ایدئولوژی می‌گذرد: او نشان محبت خدا در دنیاست، یعنی محبت بدون استثنا و بدون امتیاز». (مأموریت نجات‌دهنده شماره‌های ۸۶ و ۸۹).

کلام کتاب مقدس

عیسا به شاگردانش گفت: «تمامی قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. پس رفته، همه‌ی امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه‌ی اموری را که به شما حکم کرده‌ام، حفظ کنند. اینک، من هر روزه تا اتقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی ۲۸:۱۸-۲۰).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

* رجوع شود به برگه‌های سری اول شماره ۱/۹ «کلیسا» و سری دوم شماره ۱/۶ «انجیل»، ۲/۶ «تعمید»، ۲/۱۰ «خدمت».

* راز کلیسا (نامه شبانی پاتریارک‌های کاتولیک شرق).

«جائی که کلیسا هست همانجا نیز روح القدس وجود دارد و جائی که روح خدا هست، کلیسا نیز هم آنجا وجود دارد همراه با تمام فیض خدا.»

(ایرنئوس. اسقف شهر لیون. شهید در سال ۲۰۲ میلادی)